

کتاب اول

هستاد چه چرا

ناصر کاوه

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدای ایران اسلامی از صدر اسلام تا شهدای جبهه ی مقاومت

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل‌های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بینند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد و آن ثبت خاطرات برای دیگران است... ((امام خامنه ای))

کتاب هشتاد به یک؟! (جلد یکم)

مدیر پروژه و نویسنده: ناصر کاوه

هوش مصنوعی، گرافیک و طراح: علی کربلائی

رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه

تایپ و حروف نگار و مشاور طرح: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: اول

فهرست مطالب

مقدمه/۹

آغاز جنگ ایران و عراق با حمله رژیم بعث/۱۵

کشورهای تجهیزکننده صدام در جنگ با ایران/۲۴

عراق با چه تجهیزاتی حمله اش را به ایران آغاز کرد؟/۴۴

چه کشورهایی به صدام سلاح فروختند؟/۵۳

حمایت شرق و غرب از عراق در جنگ تحمیلی/۶۰

تحمیل جنگ بر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران/۶۴

کشورهایی که عامل بین‌المللی شدن جنگ بودند/۶۷

تفاوت دفاع مقدس با جنگ/۷۲

ساختار نظام بین‌الملل در دوره پیروزی انقلاب اسلامی/۷۴

جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل/۷۹

نقش نظام بین‌الملل در وقوع جنگ/۸۴

همه دنیا علیه جمهوری اسلامی ایران؟!/۹۶

با ارتش وارداتی و هواپیمای اجاره‌ای/۱۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا تُسَبِّحُوا لِلَّهِ حُجُجًا كَمَا سَبَّحُوا لِلَّهِ حُجُجًا



امام خمینی (رحمة الله عليه)

بدخواهان ما گمان نکنند که جوانان ما از مردن از شهادت
باکی دارند! شهادت ارثی است که از اولیاء به ما می
رسد. آنهایی باید از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت را فنا
می دانند. ما که بعد از موت را حیات بالا تر از این حیات می
دانیم، چه باک داریم؟



کتاب هستاد به یک - ناصر کاوه

بسم الله الرحمن الرحيم
 وَلَا تَسْأَلُوا النَّاسَ أَنْ يَمْسُوا بِيَدِكُمْ لِأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ



امام خامنه ای (مد ظله العالی)

آن عالم است که می تواند محتوای ذهن انسانی را تبدیل به چیزی کند که از این جسم، به اصطلاح رایج امروز، از این سخت افزار وجود بشری، یک انسان متعالی، یک انسان پیشرو و یک انسان فعال و پیشرو بسازد. یک عالم می تواند این کار را بکند



هفته
 دفاع مقدس

گرامی
 ناصر گداوه

کتاب هستاد به یک _ ناصر گداوه

حامیان عراق در جنگ با ایران



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

مقدمه

... این نوشته جات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فرآورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدّس را قدر بدانید؛ این‌ها را باید خیلی قدر دانست و بین مردم هم منتشر بشود... «امام خامنه‌ای»

۸۰ کشور تجهیزکننده صدام در جنگ با ایران

هنگامی که عراق در شهریور ۱۳۵۹ حمله به ایران را آغاز کرد، شرایط دو کشور با یکدیگر کاملاً متفاوت بود؛ با آغاز جنگ ایران از هرگونه حمایت خارجی بی‌نصیب بود ولی رژیم بعثی عراق با پشتیبانی‌های جهانی وارد جنگ با ایران شده بود و کشورهای متعدد غربی و عربی به صدام هواپیما و امکانات راداری و پدافندی می‌دادند و مدرن‌ترین وسایل و تجهیزات را در اختیارش می‌گذاشتند.

علاوه بر این کمک‌های نظامی، انواع کمک‌های اقتصادی نیز عراق را پوشش می‌داد. در این نوشتار حامیان اصلی عراق در جنگ با ایران را در دو گروه حامیان غربی و پشتیبانان عربی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بر اساس اسناد ارائه شده در کتاب «جنگ ایران و عراق»، نوشته «پیرازوکس»، که توسط «انتشارات دانشگاه هاروارد» منتشر شده است، مجموع کمک‌های نظامی خارجی در دوره جنگ هشت ساله به عراق ارزشی در حدود ۸۰ میلیارد دلار و مجموع کمک‌های نظامی خارجی به جمهوری اسلامی در حدود ۲۴ میلیارد دلار بوده است. منظور از کمک نظامی معادل ارزش دلاری کلیه کمک‌ها و مساعدت‌های نظامی اعم از، تدارکاتی و مستشاری، آموزشی و خدماتی، فروش مستقیم و غیرمستقیم سلاح و تجهیزات نظامی و تعمیرات و قطعات یدکی آن، کالاهای غیرنظامی که به نوعی در جنگ و در پشتیبانی از نظامیان از آن‌ها استفاده می‌شود (مثل امکانات درمانی و بیمارستانی)، کمک‌های نقدی و اعتباری و هر گونه تسهیلات مشابه دیگر مثل وام برای خریدهای مورد نیاز نظامیان است که در جریان جنگ به دولت پذیرنده ارائه می‌شود.

جنگ ایران و عراق، مبتنی بر قاعده هژمونی و رویارویی مستقیم نبود و رویکرد توازن قوا (در کنار دو رویکرد برخورد مستقیم یا هژمونی و رویکرد چندجانبه گرایی) از اصول انکارناپذیر این جنگ خصوصا در حمایت از طرف عراقی برای مهار انقلاب بود.

اتحاد جماهیر شوروی در راس کشورهای کمک‌کننده به عراق در جنگ با ایران قرار داشت. ارزش مجموع کمک‌های نظامی شوروی به عراق دست کم ۳۰ میلیارد دلار بوده که در برخی از منابع تا ۴۰ میلیارد هم تخمین زده شده است. این رقم نشان می‌دهد نیمی از همه کمک‌های خارجی که صدام برای جنگیدن با ایران دریافت کرده، از سوی شوروی تامین شده است.

پس از شوروی، فرانسه با ۱۷ میلیارد دلار، چین ۶ میلیارد، ایتالیا نزدیک به ۴ میلیارد، مصر ۳ میلیارد، برزیل ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و یوگسلاوی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، در ردیف‌های بعدی کمک نظامی به عراق هستند.

کشورهایی که کمتر از یک میلیارد دلار به صدام در زمان جنگ با ایران کمک کردند عبارتند از رومانی، لهستان، چکسلواکی، اتریش، مجارستان، آفریقای جنوبی، آلمان غربی، اسپانیا، سوئیس و سوئد. بر اساس کتاب جنگ ایران و عراق، نوشته رازوکس، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات، بحرین، قطر و عمان کمک‌های بسیار ناچیزی به صدام کردند که رقم آن‌ها کمتر از ۵۰ میلیون دلار بوده است.

از طرف دیگر با وجود اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس، خصوصا عربستان سعودی یکی از تامین‌کنندگان مالی عراق در جنگ با ایران معرفی می‌شوند. بر اساس آرشیو اسناد ملی عراق پس از سقوط صدام حسین و تطبیق با اسناد وزارت دفاع آمریکا مشخص می‌شود که، کمک‌های مالی کشورهای خلیج فارس به صدام در حدی است که در مقایسه با کمک عظیم شوروی، می‌توان از آن‌ها صرف نظر کرد.

اما در ۲۴ میلیارد کمک خارجی به ایران در زمان جنگ چه کشورهایی نقش اصلی را داشته‌اند؟ چین و کره شمالی با کمک مالی هریک به ارزش تخمینی ۳ میلیارد دلار (در مجموع ۶ میلیارد) در بالای فهرست کمک‌کنندگان به جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند. لیبی با ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، شوروی ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، کره جنوبی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیارد دلار، دیگر کمک‌کنندگان اصلی به ایران بوده‌اند.

بلغارستان، سوریه، پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، سوئد، ایتالیا، فرانسه، اتریش، برزیل، سوئیس، یونان، آفریقای جنوبی و اتیوپی، در ردیف کشورهای هستند که کمتر از یک میلیارد در طول جنگ هشت ساله به ایران کمک کرده‌اند.

سوریه مهم‌ترین هم‌پیمان جمهوری اسلامی در این جنگ معادل ۸۰۰ میلیون دلار کمک کرد که کمتر از کمک کره جنوبی محسوب می‌شود که رابطه نزدیکی هم با جمهوری اسلامی ندارد.

ارزش مالی کمک‌های ایالات متحده به ایران در این جنگ هشت‌ساله معادل ۶۵۰ میلیون دلار بوده است. در مقابل کمک آمریکا به عراق ۲۵۰ میلیون دلار بوده است؛ یعنی ارزش مساعدت‌های نظامی آمریکا به ایران، تقریباً سه برابر ارزش کمک به عراق بوده است. بر خلاف آنچه تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی می‌گوید ارزش کمک‌های نظامی ایالات متحده به ایران بیش از عراق بوده است و اتحاد جماهیر شوروی که جمهوری اسلامی وارث آن؛ یعنی روسیه را، «متحد استراتژیک» خود می‌داند، بیشترین مساعدت‌های نظامی به عراق را بر عهده داشته است؛ مساعدت‌هایی که به معنی نیمی از کمک‌های خارجی به عراق بوده‌اند.

از نکات بسیار قابل توجه تاریخ جنگ ایران و عراق این است که در جریان این نبرد هشت ساله، بیش از ۶۰ درصد از کمک‌های خارجی به عراق را کشورهای بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی تامین کردند، در حالی که کمک‌های مالی و مساعدت‌های نظامی این گروه از کشورها به ایران در حدود ۱۰ درصد را تشکیل می‌دهند و آمریکا سهم بیشتری در کمک مستقیم و غیرمستقیم به جمهوری اسلامی دارد تا عراق تحت رهبری صدام که در نهایت توسط ایالات متحده سرنگون شد.

آمریکا در ابتدای جنگ گفت که مستقیماً از صدام حمایت نمی‌کنم، ولی امام (ره) از همان اول گفتند صدام یک دیوانه است که مهره آمریکاست و بعد با او رفتن پایگاه‌های آمریکا در عراق و مصر معلوم شد که همین‌طور بوده است. در کربلای ۴ و ۵ شوری ۱۵۰ تانک در اختیار عراق قرار داد؛ فرانسوی‌ها نخستین هواپیماهای دور پرواز خود را به عراق دادند و آلمانی‌ها در حوزه شیمیایی و هسته‌ای هم سلاح و هم تکنولوژی‌اش را به عراق دادند.

کویت، امارات و عربستان هر سه با هم ۸۰ میلیارد دلار به صدام کمک کردند در حالی که ما در دوران جنگ سالانه فقط ۷ میلیارد دلار درآمد داشتیم و این در مقام قیاس نشان می‌دهد که ما در مقابل آن‌ها در چه وضعی بودیم و تنها با ایستادگی و جهاد و تلاش بود که در برابر این‌ها ایستادیم و پیروز شدیم.

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی زهرا (س) نوشتن «**کتاب هشتم به یک؟! - جلد یکم**»، را شروع می‌کنیم تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه

آغاز جنگ ایران و عراق با حمله رژیم بعث

عراقی در آخرین روز شهریور سال ۱۳۵۹ هجوم خود را علیه ایران آغاز کرد. جنگی که صدام می‌پنداشت شاید چند روز بیشتر طول نکشد به یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم تبدیل شد که حدود هشت سال به طول انجامید. در تصاویر تاریخی امروز، عکسی از آغاز جنگ ایران و عراق را می‌بینید. از زمان شکل‌گیری کشور عراق در مرزهای کنونی، بزرگ‌ترین مشکل آن دسترسی محدود به آب‌های آزاد و دریاها بود که ایجاد بنادر تجاری و باری را ناممکن می‌ساخت. تنها بندر مهم و قابل کشتیرانی بغداد در اروندرود بود.



عراقی‌ها تلاش می‌کردند، کویت را که راه دریایی داشت به خاک خود ضمیمه کنند، اما کویت تحت قیمومت انگلستان بود و انگلستان اجازه‌ی این کار را به عراقی‌ها نمی‌داد.

در سال ۱۹۶۳ میلادی عراق تمامیت ارضی کویت را رسماً پذیرفت و با استقلال کویت تنها راه پیوند عراق به آب‌های آزاد از میان رفت و حضور در ارون‌درو تنها چاره برای دولت عراق بود. در دوران جدید ارون‌د، مهم‌ترین مسئله‌ی ایران و عراق شد، و به همین بهانه درگیری‌های مرزی پی‌درپی در مرز دو کشور رخ می‌داد.

در تمامی این درگیری‌ها برتری با ایران بود، چرا که سنگرهای ایران در ارتفاعات قرار داشتند و ایران از نظر تجهیزات نظامی و قدرت اقتصادی بسیار برتر از عراق بود. نخستین معاهده‌ی صلح در جولای ۱۹۳۷ میلادی امضا شد، دومین در ۱۹۵۷، که در آن پیشنهاد اداره‌ی ارون‌درو به صورت مشترک مطرح شده بود، با مرزی که هیأتی سوئدی مطرح می‌کرد و نظارت هر دو طرف را به دنبال داشت.

در سال ۱۹۶۸ در عراق کودتا شد و حزب بعث به رهبری حسن البکر روی کار آمد. صدام حسین، معاون حسن البکر بود، ناسیونالیسم جدید عراق، خوزستان را یکی از استان های عربی جهان عرب می دانست و جزایر سه گانه ی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را از آن عراق.

محمدرضا پهلوی نیز که در اوج قدرت و ثروت بود با این ادعاها مقابله می کرد. در مقابل حکومت ایران از کردهای شمال عراق که با دولت مرکزی آن کشور در جنگ بودند حمایت می کرد و برای گروه های مخالف حزب بعث اسلحه و پول می فرستاد. در سال ۱۹۶۹، ایران قرارداد ۱۹۳۷ را به صورت یک جانبه لغو کرد، قراردادی که به موجب آن، حق هر دو طرف در ارون درود تضمین شده بود.

پس از این اقدام درگیری ها و تنش های مرزی افزایش یافت که در نتیجه ی آن، در سال ۱۹۷۵ قرارداد مهم الجزایر امضا شد. بر اساس مفاد قرارداد الجزایر عراق از حاکمیت ارون درود و جزایر سه گانه چشم پوشی می کرد و ایران از حمایت کردهای مخالف عراق دست بر می داشت و خط تالوگ نیز مرز رسمی دو کشور می شد.

قرارداد الجزایر پس از درگیری‌های سال‌های ۵۰ تا ۵۲ پیش آمد، درگیری‌های خونینی که در پی ادعای دو کشور بر مناطق مرزی ایجاد شده بود. در تمام این درگیری‌ها برتری با ایران بود؛ ایران ارتش بسیار مجهزی داشت که در منطقه بی‌نظیر بود. قرارداد الجزایر آتش اختلافات را خاموش کرد و دو کشور موقتاً روابط دوستانه‌ای در پیش گرفتند. پس از انقلاب اما درگیری لفظی و مرزی بالا گرفت. انقلاب ایران برای صدام حسین نگران‌کننده بود. بیش از نیمی از جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دادند و انقلاب ایدئولوژیک می‌توانست حزب بعث را ساقط کند. شیعیان عراق نیز متأثر از انقلاب ایران مخالفت با حکومت مرکزی را تشدید کرده بودند که این امر نیز نگرانی‌ها را افزایش می‌داد. عراق همچنین محل فعالیت نیروهای مخالف با انقلاب ۵۷، مانند شاپور بختیار شده بود که تعدادی از این مخالفان کودتای نوژه را ترتیب داده بودند. آیت‌الله خمینی پس از انقلاب بارها صدام حسین را جرثومه‌ی فساد خواند و خطاب به مردم عراق چنین گفت: "ما محمدرضا را از کشور بیرون کردیم؛ شما هم این فرد را از کشور بیرون کنید".

در عراق دو حزب مخالف اصلی وجود داشت، که یکی از آنها حزب الدعوه به رهبری محمد باقر صدر بود و دیگری مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق بود که آیت‌الله حکیم آن را تشکیل داده بود و شاخه‌ی نظامی آن یعنی لشکر بدر، در جبهه‌ی ایران علیه عراق می‌جنگیدند.

حزب الله دعوه، طارق عزیز وزیر امور خارجه و دوست نزدیک صدام حسین را ترور کرد. وی از ترور جان سالم به‌در برد. اما صدام به همین بهانه بسیاری از اعضا حزب و محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی صدر را به قتل رساند. در واکنش به این اقدام، آیت‌الله خمینی از مردم عراق خواست تا علیه صدام حسین انقلاب کنند.

این اتفاقات صدام حسین را که ارتش تازه تجهیز شده‌ای داشت به رویارویی نظامی با ایران ترغیب می‌کرد. آنچه صدام را در این عمل گستاخ کرد فروپاشی ارتش ایران به واسطه اعدام‌های انقلابی بود. صدام به مشاوران خود می‌گفت ارتش آنها اکنون از هم پاشیده و توان دفاعی ندارند.

حمله به سفارت آمریکا و بحران گروگان‌گیری، و همچنین حادثه‌ی صحرای طبس، عراقی‌ها را بیش از پیش برای حمله به ایران آماده کرده بود. ایران به واسطه خشونت‌های انقلابی تمام دوستان خود را از دست داده بود. همچنین با دیگر ابرقدرت آن زمان، یعنی اتحاد شوروی به علت ایدئولوژی کمونیستی که اساساً ضد دین بود، رابطه خوبی نداشت.

صدام حسین از اوایل سال ۵۹ تهدیداتش علیه ایران را آغاز کرد. ادعای وی این بود که ایران به تعهداتش در قرارداد الجزایر پایبند نبوده و خواستار تملک جزایر سه‌گانه‌ی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک و همچنین تسخیر مناطقی چون میمک بود. در شهریور ماه ۱۳۵۹، در تلویزیون عراق حاضر شد و گفت ایران زمین‌هایی را که در قرارداد الجزایر به دست آورده است را باید پس بدهد.

صدام اعلام کرد که اروندرود به مالکیت عراق درمی‌آید و از این پس، هر کشتی ایرانی نیز که بخواهد از آنجا عبور کند باید با پرچم‌های عراق، این کار را انجام بدهد.

ایران نپذیرفت و تنش‌های مرزی دوباره آغاز شد. هر چه بیشتر می‌گذشت، درگیری‌ها بیشتر می‌شد. در ۱۹ شهریور، عراق میمک را تصرف کرد و آیت‌الله خمینی، در پیامش به حجاج آن سال به شدت به آمریکا و حزب بعث حمله کرد.

ارتش و نیروی اطلاعات ارتش گزارش دقیقی از آرایش نیروهای عراقی در مرزهای ایران به آیت الله خمینی و ابوالحسن بنی صدر داده بودند ولی آنها باور نکردند که جنگی در حال رخ دادن است.

در ۲۶ شهریور ماه، صدام حسین قرارداد الجزایر را به صورت یک جانبه لغو کرد و چند روز پس از آن نیز درگیری‌ها ادامه پیدا کرد.

ایران در دوران بختیار حجم عظیمی از تجهیزات نظامی را به کشورهای که از آنها خریداری کرده بود باز پس فرستاد و در نتیجه گروگان‌گیری در سفارت آمریکا قرار داد تحویل جنگنده‌های اف ۱۴ لغو شده بود. ارتش در فقدان فرمانده‌های رده بالا از حالت منظم خود خارج شده بود و درگیری‌های داخلی تمرکز نیروهای ایرانی را بر هم زده بود. به همین دلایل پاسخگویی نظامی علیه عراق موفق نبود.



عراقی‌ها در روزهای آخرِ شهریور، هجوم خود را آغاز کردند. الگوی صدام برای حمله به ایران، الگوی جنگ‌های شش روزه اعراب و اسرائیل بود، که بر طبق آن عراقی‌ها می‌خواستند تمامِ ناوگان هوایی ایران را در فرودگاه‌ها نابود کنند تا با نابودی ناوگان هوایی، راه برای ورود ارتش زمینی و سپاه زرهی باز شود.

جنگ جهانی سوم



جنگ ۸ ساله تحمیلی:

- خونین ترین جنگ بعد از جنگ جهانی دوم
- طولانی ترین جنگ متعارف در قرن ۲۰

در طول جنگ تحمیلی بیش از ۸۰ کشور به عراق کمک کردند.

مهم ترین کشورها: آمریکا، شوروی، عربستان، امارات، اردن، مصر، آلمان، فرانسه، چین، انگلیس، آفریقای جنوبی، لهستان، برزیل، آرژانتین، مراکش و ...

انواع کمک ها:

- ۱- تجهیز نظامی (مهمات، موشک، تانک، هواپیما و ...)
- ۲- فرستادن نیروهای نظامی برای کمک
- ۳- واسطه شدن برای انتقال مهمات نظامی
- ۴- کمک به جاسوسی علیه ایران

میزان مهمات قبل و بعد از جنگ کشور عراق، از حمایت های بی دریغ خارجی حکایت دارد:

نوع تجهیزات	ایران پیش از جنگ	ایران پس از جنگ	عراق پیش از جنگ	عراق پس از جنگ
افراد نظامی	۳۹۰,۰۰۰ نفر	۶۰۰,۰۰۰ نفر	۴۴۳,۰۰۰ نفر	۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر
تانک	۱۷۳۵ دستگاه	۱۰۰۰ دستگاه	۲۷۵۰ دستگاه	۴۰۰۰ دستگاه
هواپیمای جنگی	۱۱۷ فروند	۵۰ فروند	۲۲۴ فروند	۶۰۰ فروند

کتاب هشدار به یک ناصرباوه

کشور های تجهیزکننده صدام در جنگ با ایران

هنگامیکه عراق در شهریور ۱۳۵۹ حمله به ایران را آغاز کرد، شرایط دو کشور با یکدیگر کاملاً متفاوت بود؛ با آغاز جنگ، ایران از هرگونه حمایت خارجی بی‌نصیب بود ولی رژیم بعثی عراق با پشتیبانی‌های جهانی وارد جنگ با ایران شده بود و کشورهای مختلف به صدام هواپیما و امکانات راداری و پدافندی می‌دادند و مدرنترین وسایل و تجهیزات را در اختیارش می‌گذاشتند. علاوه بر این کمک‌های نظامی، انواع کمک‌های اقتصادی نیز عراق را پوشش می‌داد.



الف) حامیان غربی

با شروع حمله عراق به ایران، در حالی که بیش از ۸۰ کشور به صورت رسمی و غیر رسمی عراق را یاری می‌دادند جمهوری اسلامی ایران حتی از داشتن حق خرید سیم خاردار که يك وسیله غیرنظامی محسوب می‌شد، محروم بود. آمریکا که در جنگ عراق با ایران اصلی‌ترین حامی صدام در جنگ با ایران به شمار می‌آمد، دو هدف را دنبال می‌کرد: هدف کوتاه‌مدت آمریکا، آزادسازی گروگان‌های خود پس از حمله ناکام به طبرستان و کودتای نوژه بود و دیگر اینکه آمریکا به دنبال مهار انقلاب اسلامی و جلوگیری از صدور انقلاب بود.

برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، شروع جنگ منطقه‌ای علیه ایران را راه حل مناسبی برای جلوگیری از صدور انقلاب دانست و عنوان کرد که «آمریکا در مقابله با انقلاب ایران، باید تقویت دولت‌هایی را که توان انجام عملیات نظامی علیه رژیم ایران را دارا هستند مورد توجه قرار دهد.» لذا او در يك ملاقات سری با صدام این باور را در وی به وجود آورد که آمریکا به طور تمام قد حامی عراق است.

«گری سیک» عضو شورای امنیت ملی دولت آمریکا در زمان جیمی کارتر می‌گوید: پس از واقعه گروگانگیری در تهران، دیدگاه بسیار غالبی در آمریکا و به ویژه از طرف شخص برژینسکی (مشاور امنیت ملی رئیس جمهور) وجود داشت که ایران را باید به طور همه‌جانبه تنبیه کرد. بیانیه‌های عمومی که او صادر می‌کرد، بر این مضمون تاکید داشتند که آمریکا مانعی بر سر تحرکات عراق بر ضد ایران نمی‌بیند.

علاوه بر این، اسناد مختلفی از کمک‌های اطلاعاتی دولت رونالد ریگان به عراق وجود دارد. تنها ۸ روز پس از آغاز تهاجم صدام حسین به خاک ایران، ۵ هواپیمای شناسایی آواکس متعلق به نیروی هوایی آمریکا برای شناسایی عملیات‌های هوایی ایران و اطلاع‌رسانی آنها به ارتش عراق، تحویل دولت عربستان سعودی شد. در همین راستا سازمان سیا هم از ابتدای جنگ تصاویر هوایی ماهواره‌ای از مواضع نیروهای نظامی و تاسیسات نفتی ایران را در اختیار رژیم بعث عراق قرار می‌داد.

تجهیز نظامی، تنها يك بعد از حمایت آمریکا از صدام و حزب بعث در طول جنگ محسوب می‌شود. علاوه بر این دولت ایالات متحده آمریکا، اعتباری به مبلغ ۸۴۰ میلیون دلار برای واردات مواد غذایی در اختیار عراق قرار داد تا در ادامه جنگ، اذهان داخلی عراق برضد جنگ با ایران تحريك نکند.

همچنین از سوی آمریکا وامی به مبلغ يك میلیارد دلار برای خرید و به‌کارگیری توانایی ساخت سلاح به عراق واگذار شد.

خارج کردن عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم، اقدام دیگری بود که به تجهیز تسلیحاتی عراق کمک کرد.

علاوه بر این، آمریکا عربستان را تشویق کرد تا با کاهش قیمت نفت، ایران را از مهم‌ترین منبع درآمد برای تأمین هزینه‌های جنگ، محروم کند.

در طول جنگ، صدام با دریافت بیش از ۶۰ میلیارد دلار از رژیم‌های غربی، نیازهای مالی اقتصاد وابسته خویش را تامین می‌کرد. آمریکا علاوه بر تجهیز عراق، با کارشکنی تلاش‌هایی را در جهت محکومیت ایران در سازمان‌های بین‌المللی و جلوگیری از انتقال صحبت‌های به حق مسئولین ایرانی به دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌داد. حمایت دول غربی و در راس آن‌ها آمریکا از صدام، موجب شعله‌ور شدن آتش جنگ می‌شد.

آمار تجهیزات و حامیان صدام در جنگ هم به خوبی بازگو کننده نابرابری در جنگ است. به عنوان مثال در آستانه بازپس‌گیری «فاو» در اردیبهشت ۱۳۶۷، ارتش عراق حدود ۵ هزار دستگاه تانک، ۴۵۰۰ نفر بر زرهی، ۵۵۰۰ عراده توپ، ۴۲۰ فروند هلی‌کوپتر و ۷۲۰ فروند هواپیمای جنگنده و بمب‌افکن آماده برای عملیات در اختیار داشت.

این خیل عظیم سیستم‌های تسلیحاتی، با حداقل ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین اسکاد بی، ساخت شوروی تجدید ساختار شده توسط آلمان‌ها و مقادیر زیادی مهمات شیمیایی صادراتی آمریکایی - اروپایی تکمیل می‌شد.

حکومت بغداد با کسب این مقادیر عظیم از جنگ افزارهای مدرن متعارف و غیر متعارف، توانست استعداد نیروهای زمینی ارتش خود را از ۲۷ لشکر در سال ۱۳۶۵، به ۵۰ لشکر در سال ۱۳۶۸، افزایش دهد.

علاوه بر آمریکا، برزیل، انگلیس و آرژانتین که در صنعت نظامی تقریباً پیشرفته بودند تسلیحاتی را در اختیار عراق قرار می‌دادند. ایتالیا و بلژیک با ارسال موشک‌های پیشرفته ضد زره و کمک به عراق در ساخت توپخانه دوربرد و بخش‌های دیگر ارتش این کشور از جمله حامیان عراق بودند.

فرانسه گرچه در ابتدا اعلام بی‌طرفی کرد، اما وجود برخی از منابع و آمارها نشان می‌دهد که این کشور ۴/۷ میلیارد دلار کمک مالی در اختیار رژیم بغداد قرار داد.

همچنین به منظور تجهیز صدام هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشک‌های لیزری که از آخرین دستاوردهای صنعت نظامی فرانسه بود در اختیار ارتش عراق قرار گرفت.

بحث در هیأت دولت فرانسه درباره امکان حمایت از دستیابی محدود عراق به سلاح هسته‌ای در جنگ نیز دلیلی دیگر بر حمایت فرانسه از صدام بود. آلمان نیز از دیگر کشورهایی بود که با ارسال مواد شیمیایی به یاری صدام شتافت به طوری که عراق را قادر ساخت تا ۶۰۰۰ تن بمب شیمیایی علیه ایران به کار گیرد.

اما عجیب‌ترین اتفاق قرن همسویی شرق و غرب در جنگ بین عراق و ایران بود. با آغاز هجوم عراق، آمریکا و شوروی که پس از جنگ دوم جهانی درگیر جنگ سرد با یکدیگر بودند در صف حامیان صدام قرار گرفتند. در این بین شوروی نیز همچون آمریکا انواع کمک‌های تسلیحاتی، نظامی و مالی به صدام را جزو برنامه‌های خود قرار داد.

پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی، بالگرد، تانک و سلاح‌های دیگر از جمله تسلیحاتی بود که شوروی به عراق ارسال کرد. علاوه بر این فرماندهان ارتش شوروی با حضور در بغداد، آموزش‌های لازم را به ارتش عراق ارائه می‌دادند.

حدود ۸۵ درصد تجهیزات استفاده شده از سوی عراق در حمله به ایران، ساخت کشور شوروی بود. بیش از ۴۰۰ تانک تی ۵۵، ۳۰۰ موشک زمین به زمین اسکاد بی، هزار تانک تی ۶۲، بیش از ۵۰۰ تانک پیشرفته تی ۷۲ و نزدیک به ۲۰۰ فروند انواع هواپیماهای میگ تنها بخشی از کمک‌های شوروی سابق به عراق در جنگ با ایران بوده است.

در کنار کمک‌های مستقیم نظامی، دولت عراق برای توسعه برنامه موشکی بالستیک خود توانست کارشناسان موشکی شوروی را به خاک عراق دعوت کند.

حضور این کارشناسان گرچه هیچگاه به تکنولوژی ساخت موشک‌های بالستیک منجر نشد، اما نشانه روشنی از پشتیبانی همه‌جانبه شوروی از عراق است.

البته علاوه بر فهرست فوق باید کشورهای چون سوئیس، سوئد، لهستان، یوگسلاوی، چین، رومانی، ایتالیا، سنگاپور و ... را نیز به حامیان صدام اضافه کرد.

همچنین باید اشاره کرد که روال حمایت غرب و شرق از صدام، تنها به دوران جنگ عراق و ایران محدود نشد و پس از پایان جنگ هم این روند ادامه یافت.

عراق افتخار ژاندارمی منطقه، یعنی همان عنوانی که پیش از انقلاب ایران محمدرضا شاه در اختیار داشت را کسب کرد.

در این میان همانگونه که گفته شد براساس اسناد معتبر، انگلیس و آمریکا بیشترین نقش را در تجهیز صدام پس از جنگ ایران و عراق داشته‌اند. «هیتی» معاون وزیر دفاع بریتانیا در این رابطه چنین می‌گوید: «تمام تلاش مان را به خرج دادیم تا رابطه را گرم نگه داریم. طی جنگ هشت ساله صدام علیه رژیم تهران، به طور متوسط هر سال ۴۰ خلبان نظامی عراقی در پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا، آموزش می‌دیدند و شرکت‌های خصوصی نظیر هواپیمایی C.S.I هم بر این دوره‌ها نظارت داشتند.»



کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

ب) حامیان عربی

در طول سال‌های جنگ، کشورهای عربی منطقه با نام نهادن صدام به عنوان «سردار و فاتح قادسیه»، «افتخار عرب» و «صلاح‌الدین ایوبی زمان» میلیاردها دلار کمک بلاعوض به حکومت صدام و رژیم وی کردند. یکی از فرماندهان جنگ در همین رابطه می‌گوید: «در بسیاری از عملیات‌ها نظیر خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵، حقیقتاً ماشین نظامی عراق از هم پاشیده شد؛ اما به چند ماه نمی‌کشید که صدام پس از هر کدام از این عملیات‌ها، با امکانات بیشتر و جدیدتر وارد منطقه می‌شد. این مسأله حاصل نمی‌شد جز با پول عرب‌های منطقه و حمایت‌های غرب و شرق».

لذا به روشنی می‌توان گفت که کشورهای عربی با دارا بودن ذخایر عظیم نفت، حامی مالی عراق محسوب می‌شدند. خود صدام حسین پس از دستگیری، طی يك بازجویی در فوریه ۲۰۰۴ میلادی اعتراف کرد که بسیاری از کشورهای عربی در طول جنگ عراق را از لحاظ مالی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دادند.

اصلی‌ترین حامی عربی عراق در ابتدا **اردن** بود. اردن که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابطه حسنه‌ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود.

پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روز به روز نزدیک‌تر و عمیق‌تر شد تا آنجا که **ملك حسين** صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده و با کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان از جمله اعطای وام‌های چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام کرد.

روزنامه «گاردین» چاپ انگلستان به نقل از منابع فلسطینی در بیروت به چاپ کیهان در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۵۹ می‌نویسد: «**ملك حسين** پادشاه اردن، حدود پنج هزار از نیروهای خود را به عراق اعزام داشته تا وظایف امنیت داخلی را به عهده بگیرند تا سربازان عراقی برای رفتن به جبهه

جنگ با ایران آزاد باشند.» این روزنامه همچنین خاطر نشان کرد که ملك حسين اولین رهبر يك کشور عربی بود که در جنگ ایران و عراق به طرفداری از عراق برخاست تا جایی که در جریان عملیات بیت المقدس، تعدادی از داوطلبان اردنی ارتش عراق نیز به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند.

علاوه بر این ملك حسين به طور متناوب با صدام دیدار می‌کرد و ضمن اعلام حمایت از وی، حامل پیام‌های آمریکا به بغداد بود. بندر عقبه این کشور در ساحل دریای سرخ برای ارسال کمک‌های تسلیحاتی غرب به عراق به این منظور اختصاص یافت و سیل کمک‌ها روانه عراق شد.

همچنین تعداد چهل هزار سرباز مسلح اردنی به دستور ملك حسين در مرز اردن با عراق مستقر شدند تا به جبهه‌های جنگ علیه ایران عزیمت کنند.

در طول جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، تنها سیستم حمل و نقل به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چهارچوب شبکه حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد. به علاوه **ملك حسين كه** نظامیان اردن را برای سرکوبی مردم مسلمان ایران به عراق گسیل داشته بود، در نطقی اظهار داشت: «اگر ضرورت ایجاب کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام خواهیم کرد.»

بی شك تنها توجه به گوشه‌های از اظهارات ملك حسين در جریان برگزاری جلسه عادی کابینه اردن در فروردین ۱۳۵۹ موضع آن کشور را در قبال جنگ در حال وقوع بین ایران و عراق، نشان می‌داد:

«وظیفه اعراب است که برای وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطرات، هرکجا که باشد همکاری کنند، ما وظیفه داریم که جهان اسلام را آرام و قرین همبستگی داشته باشیم؛ ما به عنوان کشوری عربی نباید اجازه دهیم هیچگونه تجاوزی از هر مصدری که باشد به هیچ جزئی از خاک عراق صورت گیرد.»

علاوه بر اردن، **کویت** نیز جزو حامیان عربی صدام محسوب می‌شد. این کشور نه تنها خاک و پایگاه هوایی خود را در اختیار عراق گذاشت بلکه ۱۴ میلیارد دلار پول نقد به عنوان وام بلاعوض به عراق داد و این علاوه بر نفتی است که کویت برای عراق صادر می‌کرد.

«شیخ الصباح» یکی از سفرای کویت در آمریکا، در رابطه با میزان این کمک‌ها عنوان کرده بود: «کویت چهارده میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از شانزده میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است.»

علاوه بر این دو کشور، **امارات عربی** يك میلیارد دلار و **قطر** پانصد میلیون دلار تا اواخر سال ۱۹۸۱ میلادی به عراق کمک کردند. **کویت** و **عربستان** همچنین به منظور حمایت مالی از عراق توافق کردند تا از سال ۱۹۸۲ عایدات صدور نفت از منطقه بی‌طرف روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه به حساب عراق ریخته شود.

حامی دیگر صدام در منطقه یعنی **عربستان** که در این دوران ارتباط ویژه‌ای با آمریکا برقرار کرده بود با کاستن از قیمت نفت، تنها منبع درآمد ایران را به حداقل رساند.

به علاوه مقامات عربستان مرتب با صدام ارتباط برقرار کرده و او را دلگرم می‌کردند.

برای نمونه، **ملك خالد**، پادشاه وقت سعودی، در گفت‌وگویی تلفنی با صدام در ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۸۰، حمایت کشورش از عراق را اعلام کرد. بدین ترتیب عربستان را باید جدی‌ترین حامی عربی عراق در دوران جنگ محسوب کرد به طوری که از مجموع کمک‌های مالی هفتاد میلیارد دلاری کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس به عراق در زمان جنگ با ایران، بیش از سی میلیارد دلار سهم عربستان بود.

مصر را نیز می‌بایست جزو حامیان عربی صدام به شمار آورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مصر با پناه دادن به محمدرضا پهلوی خود را در مقابل انقلاب ایران قرار داد. سیاست حمایت از عراق در جنگ علیه ایران، پس از انور سادات، بر عهده حسنی مبارک قرار گرفت. **در طول دهه ۸۰ حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر معادل ۳/۵ میلیارد دلار موشک و تسلیحات در اختیار صدام قرار داد.**

سودان نیز در اواسط دی ماه ۶۱ صدها تن از سربازان ارتش خود را به جبهه‌های جنگ علیه ایران اعزام کرد. همچنین **به دستور جعفر نمیری** رئیس جمهور سودان در شهر خارطوم پایتخت این کشور و پاره‌ای از شهرهای دیگر دفاتری جهت ثبت‌نام برای اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ علیه ایران دائر شد. جعفر نمیری در مصاحبه با مجله الیوسف چاپ قاهره اذعان داشت که اعزام نیرو به عراق طبق تصمیمات کنفرانس سران عرب صورت گرفته است.

لیبی نیز گرچه در ابتدای جنگ خود را حامی ایران معرفی کرد اما پس از مدتی با تغییر رویه، در جمع متحدان عراق قرار گرفت.

اما دولت یمن از همان ابتدا خود را همسو با عراق معرفی کرد.

سرلشکر وفیق السامرایي مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق در این رابطه اظهار داشت:

«در جهت كمك به عراق، یمن تیپ پیاده العروبه را به عراق فرستاده بود. اردن نیز نیروی الیرموك را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام کرد که در جبهه شرقی رودخانه میسان در خط مقدم جبهه فعالیت می‌کردند.»

علاوه بر کشورهایی که در بالا از آن‌ها نام برده شد می‌توان به کشورهایی چون بحرین، عمان، مراکش، الجزایر و سومالی نیز به عنوان حامیان صدام اشاره کرد.

در پایان باید اشاره کرد که یکی از دلایلی که کشورهای عربی را علیه ایران تحریک کرد واهمه آن‌ها از سرایت انقلابی مشابه انقلاب ایران

کشورهای حامی ایران



کشورهای حامی عراق



حامیان عراق بسیار بیشتر از این تعداد بودند، فقط نام بزرگترین حامیان آورده شده است!

جنگنده



بالگرد



تویخانه



تانک و نفربر



نیروی نظامی



اردن اولین کشوری بود که به طور رسمی از عراق اعلام حمایت کرد و نیروی کمکی به عراق فرستاد.

کویت در اقدامی ضد ایرانی، وام بلا عوض پانزده میلیون دلاری به عراق داد.



خبرگزاری شبستان

گروه چندرسانه ای

اینفوگرافی از: مهدی دل روشن

خبرگزاری
شبستان

خبرگزاری
شبستان



دفاع مقدس

به عبارت دیگر...

کتاب هشتم به یاد ناصر کاوه

عراق با چه تجهیزاتی حمله اش را به ایران آغاز کرد؟

از دیگر پرسش های مطرح درباره ایام جنگ و دفاع مقدس به میزان تسلیحات و نیروی نظامی رژیم بعث عراق بر می گردد و اینکه کدام کشورها پیش و به هنگام جنگ، این رژیم را یاری می کردند که پاسخ به این پرسش ها از کتاب پرسش ها و پاسخ ها داده شده است.

سالها از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی گذشته است اما همچنان پرسش هایی درباره علت و چرایی جنگ، تعویق پذیرش قطعنامه های بین المللی و...

باقی مانده است که در این مجال به مناسبت فرا رسیدن چهلمین سال دفاع مقدس برآنیم تا به برخی از این پرسش ها، پاسخی درخور دهیم. از پرسش های دیگری که درباره جنگ تحمیلی مطرح است، چگونگی وضعیت ارتش عراق از نظر تعداد نفرات، یگان ها، لشکرها، تجهیزات و

تسلیمات نظامی در آغاز هجوم به ایران است؛ همچنین کدام کشورها پیش از شروع جنگ تحمیلی و کدام کشورها در حین جنگ به عراق تجهیزات و تسلیمات نظامی می دادند که پاسخ آن به شرح ذیل می باشد. اگر چه آمار متفاوت و مختلفی در این زمینه وجود دارد، اما در مجموع و بر اساس اطلاعات به دست آمده از طریق اسناد، اطلاعات فرماندهان اسیر عراقی و ... استعداد ارتش بعث عراق قبل از انقلاب اسلامی به شرح زیر بود:

نیروی زمینی: ۱۷۵۰۰۰ نفر

نیروی هوایی و پدافند هوایی: ۲۲۰۰۰ نفر

نیروی دریایی: ۶۰۰۰ نفر

پلیس و گارد مرزی: ۵۳۰۰۰ نفر

چریک مسلح: ۶۰۰۰ نفر

عراق با چه تجهیزاتی حمله اش را به ایران آغاز کرد؟

نیروهای نظامی عراق در قالب ۳ سپاه (اول، دوم، سوم)، شامل ۴ لشکر پیاده، ۳ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و ۱۲ تیپ مستقل، سازمان یافته بودند. به دنبال تصمیم صدام برای حمله به ایران در سال ۱۳۵۹، ظرف مدت کوتاهی استعداد ارتش را به شرح زیر افزایش داد:

نیروی زمینی:

۱۹۵۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰۰ نفر

نیروی هوایی و پدافند هوایی:

۲۵۰۰۰ نفر

نیروی دریایی:

۷۰۰۰ نفر

پلیس و گارد مرزی:

۴۲۰۰۰ نفر

چنان که ملاحظه می‌شود ارتش عراق قبل از جنگ، سازمان رزم خود را توسعه و گسترش داد و تغییرات زیر را ایجاد کرد:

– تأسیس لشکر ۱۲ زرهی.

– تأسیس لشکر ۱۱ پیاده با برداشت ۳ تیپ از نیروی پلیس.

– افزایش ۱۲ تیپ مستقل به ۱۵ تیپ با احضار متولدین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۷.

نیروی فوق در قالب ۳ سپاه (اول، دوم، سوم) شامل ۱۲ لشکر، متشکل از ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و ۵ لشکر پیاده و همچنین ۳ تیپ نیروی مخصوص و نیروهای گارد ریاست جمهوری و حدود ۲۰ تیپ مرزی سازمان یافته بود.

استعداد نیروی جیش الشعبی عراق نیز حدود نیم میلیون نفر برآورد می‌شد که تا سقف یک میلیون نفر قابل افزایش بود.

نیروی هوایی ارتش عراق با ۹ پایگاه هوایی و ۱۴ اسکادران هواپیمای شکاری - بمبافکن و ترابری، دارای ۳۶۶ هواپیمای نظامی، ۴۰۰ هلیکوپتر و همچنین ۴۰۰ توپ ضدهوایی و چند تیپ موشکی زمین به هوا بود. این نیرو دارای ۸۷۲ نفر خلبان عملیاتی بود که از این تعداد حدود ۴۵۰ نفر آنها قادر به پرواز با هواپیماهای جنگنده بودند.

نیروی دریایی عراق در دو پایگاه اصلی در بصره و ام‌القصر استقرار داشت. تیپ ۷۷ متشکل از چند مین‌روب و ۴ کشتی کوچک پیاده‌کننده نیرو در بندر بصره و تیپ هفتم دریایی متشکل از قایق‌های موشک‌انداز که در بندر ام‌القصر مستقر بودند.

تانک‌ها: ۳۱۰۰ تانک شامل: تانک T-72 ساخت شوروی حدود ۴۰۰ دستگاه؛ تانک T-62 ساخت شوروی حدود ۱۱۰۰ دستگاه؛ تانک T-55 ساخت شوروی حدود ۱۴۰۰ دستگاه؛ تانک T-54 ساخت شوروی حدود ۱۰۰ دستگاه؛ تانک PT-76 حدود ۱۰۰ دستگاه.

نفربرها: ۲۳۰۰ نفربر شامل: نفربر زرهی BMP-1 ساخت شوروی ۵۰۰
دستگاه؛ نفربر زرهی VER-THP ساخت فرانسه ۱۰۰ دستگاه؛ سایر
نفربرهای زرهی حدود ۱۷۰۰ دستگاه.

توپخانه: توپخانه صحرایی با ۱۵۰۰ قبضه توپ شامل توپهای ۱۳۰،
۱۳۲، ۱۵۲ و ۱۶۰ میلیمتری هویتزر ساخت شوروی؛ توپ هویتزر M-56
ساخت ایتالیا، توپ ۱۰۰ میلیمتری خودکشی و ۷۵ میلیمتری ساخت
شوروی.

ضدهوایی: حدود ۴۰۰ توپ ضدهوایی شامل توپهای ۵۷، ۳۷، ۲۵،
۸۵ و ۱۰۰ میلیمتری ساخت شوروی. موشکهای ضدهوایی با بُرد
نزدیک و بلند شامل حدود ۶۰ موشک سام ۷ و سام ۹ و حدود ۷۰
موشک با بُرد بلند شامل موشکهای سام ۲، سام ۳، سام ۶ و دو سکوی
پرتاب موشک ساخت شوروی.

هواپیماها: ۳۶۶ هواپیمای جنگنده، شامل: میگ ۲۱، ۲۳، ۲۴ و ۲۵
ساخت شوروی؛ میراژ فرانسوی F-1QES (۴۵ فروند)؛ توپولف ۱۶ و ۲۲
و سوخوی ۷ و ۹ ساخت شوروی.

هلیکوپترها: ۴۰۰ فروند (جنگی و ترابری) شامل MI-24 ساخت شوروی
و A۳۴۲۶ فرانسوی.

همچنین تعدادی موشک هوا به هوا پیشرفته AA-2 و AS-R ساخت
شوروی؛ موشک‌های ماژیک و اگزوست فرانسوی؛ چند فروند ناوچه
رزمی و موشک‌انداز؛ قایق‌های توپ‌دار و کشتی؛ سلاح‌های سبک شامل
تفنگ‌های ۷/۶۲ میلیمتری؛ خمپاره‌انداز ۱۲۰ و ۸۲ میلیمتری و
موشک‌انداز آرپی‌جی ۷ و ... از دیگر تجهیزات نظامی عراق به شمار
می‌روند.

تأمین‌کننده اصلی تسلیحات عراق پیش از جنگ، اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد تجهیزات نظامی این کشور را تأمین می‌کرد. پس از شوروی، فرانسه، چکسلواکی سابق، سوئد، برزیل و در دوران اخیر، امریکا و انگلیس از دیگر صادرکنندگان اسلحه به عراق به شمار می‌رفتند.

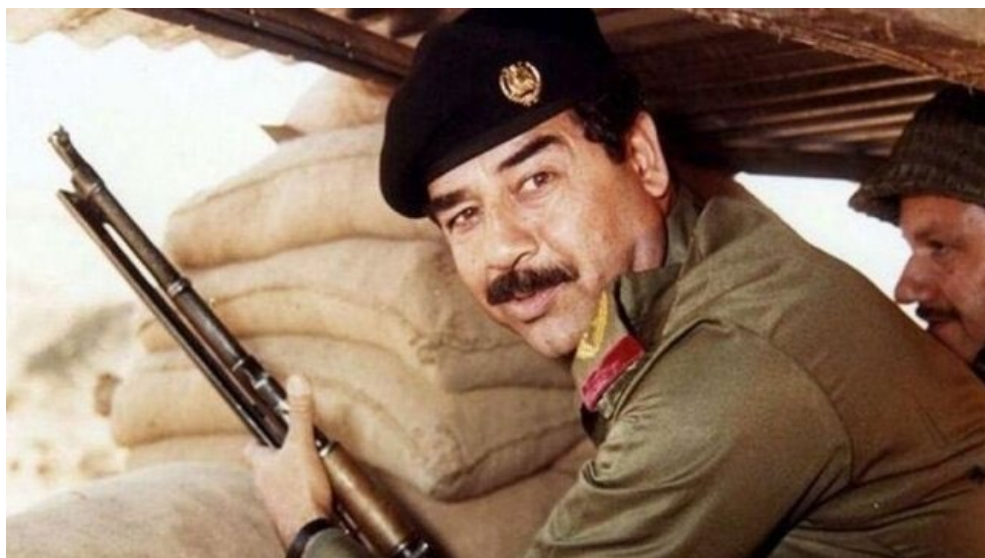
در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۸) عراق یک میلیارد و ۱۲۲ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۹ (۱۹۷۹) بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای خرید اسلحه پرداخت. تا سال ۱۳۵۸ حدود ۱۲۰۰ مستشار روسی و اروپای شرقی و ۱۵۰ مستشار کوبایی در ارتش عراق خدمت می‌کردند و در حدود پنج هزار افسر عراقی در اتحاد شوروی آموزش می‌دیدند. این در حالی بود که به قول امام خامنه ای : به ما سیم‌خاردار هم نمی‌فروختند!

منبع: برشی از کتاب جنگ ایران و عراق؛ پرسش ها و پاسخ ها؛

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ فرهاد درویشی؛ ص ۵۹-۶۲



چه کشورهایی به صدام سلاح فروختند



حکومت بغداد با کسب مقادیر فراوانی از جنگ افزارهای مدرن متعارف و غیر متعارف، توانست استعداد نیروهای زمینی ارتش خود را از ۲۷ لشکر در سال ۱۳۶۵ به ۵۰ لشکر در سال ۱۳۶۸ افزایش دهد. علاوه بر آمریکا، برزیل، انگلیس و آرژانتین که در صنعت نظامی تقریباً پیشرفته بودند تسلیحاتی را در اختیار عراق قرار می‌دادند.

ایتالیا و بلژیک با ارسال موشک‌های پیشرفته ضدزره و کمک به عراق در ساخت توپخانه دوربرد و بخش‌های دیگر ارتش این کشور از جمله حامیان عراق بودند.

پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی، بالگرد تانک و سلاح‌های دیگر از جمله تسلیحاتی بود که شوروی به عراق ارسال کرد. علاوه بر این، فرماندهان ارتش شوروی با حضور در بغداد آموزش‌های لازم را به ارتش عراق ارائه می‌دادند. حدود ۸۵ درصد تجهیزات استفاده شده از سوی عراق در حمله به ایران ساخت کشور شوروی بود بیش از ۴۰۰ تانک تی۵۵، ۳۰۰ موشک زمین به زمین «اسکاد ۱۰۰۰»، «تانک تی ۶۲»، بیش از ۵۰۰ تانک پیشرفته «تی ۷۲» و نزدیک به ۲۰۰ فروند انواع هواپیماهای «میگ» تنها بخشی از کمک‌های شوروی سابق به عراق در جنگ با ایران بوده است.

جدول خرید سلاح و مهمات و تجهیزات عراق از کشورهای مختلف

کشور	مبلغ خرید
فرانسه	۴/۵ میلیارد دلار
انگلیس	۷۰ میلیون دلار
آلمان شرقی	۶۲۵ میلیون دلار
شوروی	۱۵/۳ میلیارد دلار
لهستان	۵۲۵ میلیون دلار
چکسلواکی	۴۱۰ میلیون دلار
چین	۳/۳ میلیارد دلار
سایر کشورها	۷/۰۱ میلیارد دلار
جمع	۴۱/۷۴۰ میلیارد دلار

آلمان غربی و بریتانیا نیز اجازه گسترش برنامه موشکی و رادارهای دفاعی را برای عراق صادر کردند. شاید به ندرت اتفاق افتاده باشد که کشوری وارد جنگی شود و پس از اینکه جنگ را پشت سر گذارد، تعداد هواپیماهایش دو برابر شده باشد؛ اما چنین اتفاقی در عراق رخ داد هنگامی که جنگ با ایران به پایان رسید عراق بیش از ۶۰۰ هواپیمای جنگنده در اختیار داشت که صدها فروند آنها را هواپیماهای مدرن ساخت شوروی و فرانسه تشکیل می‌دادند.

چینی‌ها هم به صدام اسلحه می‌دادند. در نخستین روزهای جنگ، دولت چین صدها و بعداً هزاران تانک ساخت دهه ۱۹۵۰، آتشبار توپخانه و نفربر زرهی به بغداد فروخت. ارتش عراق از این تانک‌ها به دو شیوه استفاده کرد: هم برای مقاصد آتشبار توپخانه آنها را در مناطق جنگی استتار کرده بود و نیروی آتش شدید آنها را به کار می‌گرفت؛ و هم در گرماگرم نبرد، به عنوان نفربر زرهی آنها را مورد استفاده قرار می‌داد و نفرات را به خط مقدم جبهه می‌برد. عراق ۱۳۰۰ تانک چینی خریداری کرد و بعد هم که خراب شدند، آنها را در میدان نبرد رها کرد.

این تانک‌ها به قدری ارزان بودند که عراق ترجیح می‌داد به جای تعمیر آنها، تانک‌های جدیدی بخرد.

مصر را نیز می‌بایست جزو حامیان عربی صدام به شمار آورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مصر با پناه دادن به محمدرضا پهلوی، خود را در مقابل انقلاب ایران قرار داد. سیاست حمایت از عراق در جنگ علیه ایران پس از انور سادات بر عهده حسنی مبارک قرار گرفت. در طول دهه ۸۰، حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر معادل ۵/۳ میلیارد دلار موشک و تسلیحات در اختیار صدام قرار داد.

ارتش عراق در درجه اول مجهز به جنگ‌افزارهایی بود که یک دهه، پیش از آغاز جنگ از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خریداری کرده بود. در طول جنگ نیز میلیاردها دلار آمریکا تجهیزات پیشرفته از فرانسه، چین، مصر، آلمان و دیگر کشورها خرید. سه تأمین کننده اصلی جنگ افزار در طول جنگ عراق اتحاد جماهیر شوروی سپس فرانسه و پس از آن چین بودند. پرتغال نیز حمایت قابل توجهی از عراق می‌کرد. ایالات متحده آمریکا با فروش هلیکوپترهایی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار

به نیروهای مسلح عراق کمک کرد. این، تنها فروش مستقیم نظامی ایالات متحده به عراق بود. در همان، زمان ایالات متحده حمایت مخفیانه قابل توجهی از صدام حسین می‌کرد. سازمان آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به صورت غیرمستقیم مبدأ جنگ افزارهایی که به صدام حسین می‌رسید را بررسی می‌کرد تا اطمینان حاصل شود که عراق به اندازه کافی قدرت نظامی جنگ، افزار مهمات و وسیله نقلیه برای جلوگیری از ایران را دارد.

واردات سلاح و تجهیزات عراق در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷

(واحد میلیارد دلار)^۱

سال کشورهای صادرکننده	(۱۳۶۲ تا ۱۳۵۹) ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۰	(۱۳۶۶ تا ۱۳۶۳) ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۴	(۱۳۶۶ تا ۱۳۵۹) ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۰
شوروی	۸/۸۲۰	۱۱/۴۵۰	۲۰/۲۷۰
چین	۱/۶۱۰	۱/۵۷۵	۴/۱۸۵
سایر دولت‌های سوسیالیستی	۲/۹۸۰	۲/۶۵۰	۵/۶۷۰
جمع دولت‌های سوسیالیستی	۱۳/۴۱۰	۱۶/۷۱۵	۳۰/۱۲۵
کشورهای اروپای غربی	۵/۷۱۰	۴/۵۸۰	۱۰/۲۹۰
سایر دولت‌های غیرسوسیالیستی	۱/۱۹۵	۱/۹۱۵	۳/۱۱۰
جمع	۲۰/۳۱۵	۲۳/۲۱۰	۴۳/۵۲۵

از این جدول می‌توان دریافت که بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶) درصد خریدهای نظامی عراق از کشورهای مختلف به این شرح بوده است. شوروی ۳۷ درصد، چین ۱۰ درصد، سایر دولت‌های بلوک شرق ۱۲ درصد، دولت‌های اروپای غربی ۳۷ درصد، سایر کشورها ۱۲ درصد

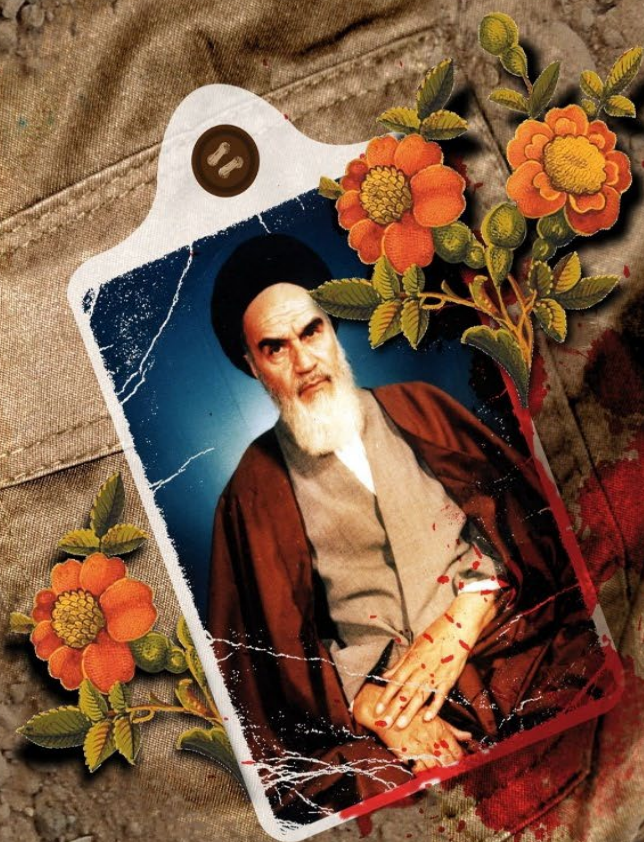
"در میان کشورهای اروپایی فرانسه بیشترین سهم را داشته است."

منابع:

کنت آر تیمرمن (۱۳۷۷)؛ سوداگری مرگ؛ ترجمه حمیدرضا زاهدی تهران اطلاعات.

عبدالحلیم ابوغزاله (۱۳۸۰) جنگ عراق و ایران؛ ترجمه نادر نوروزشاد ، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

سرلشکر وفیق السامرائی (۱۳۸۸) ؛ ویرانی دروازه های شرقی؛ ترجمه عرفان ،قارونی تهران مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.



امام خمینی (ره):

مادر جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم.

کتاب هشتاد به یک - ناصر گاو

حمایت شرق و غرب از عراق در جنگ تحمیلی

لشکرهای رژیم صدام در اوّل جنگ، لشکرهای معدودی بودند، امکاناتشان هم امکانات متعارف بود [اما] با گذشت زمان -هرچه زمان گذشت، شش ماه گذشت، یک سال گذشت، دو سال گذشت- روزبه‌روز به این امکانات افزوده شد. خب جنگ امکانات را از بین میبرد، ما مثلاً اوّل جنگ یک مقدار تانک داشتیم، بعد بعضی‌اش از بین رفت؛ فرض کنید که مقداری توپخانه داشتیم، بعضی‌اش از بین رفت؛ مهمّات داشتیم خیلی‌هایش از بین رفت؛ قهراً در جنگ مصرف میشود، جنگ امکانات را کم میکند؛ هرچه جنگ پیش میرفت، امکانات رژیم بعثی چند برابر میشد؛ چه کسی به او میداد؟

فرانسه، انگلیس، آلمان، آمریکا؛ شوروی هم که ضدّ آمریکا بود، در این قضیه همراه آمریکا وارد میدان شد، آن هم به دلیل خاصّ خود: [چون] شوروی تعداد نسبتاً زیادی جمهوری‌های مسلمان دارد؛ حرکت اسلامی، انقلاب اسلامی در ایران موجب میشد که آن جمهوری‌ها به فکر هویت

اسلامی خودشان بیفتند؛ دولت شوروی حاضر نبود، لذا او هم در این قضیه -در قضیه‌ی جنگ علیه ما، در قضیه‌ی مبارزه‌ی علیه ما- کنار آمریکا، دشمن دیرین خودش ایستاد.

پس شد آمریکا، شوروی، ناتو -[اعضای] پیمان ناتو که اروپا و آمریکا و مانند اینها هستند- و همه‌ی قدرتهای مسلط دنیا که پشت سر صدام قرار گرفتند علیه جمهوری اسلامی، برای اینکه جمهوری اسلامی را از بین ببرند؛ هدف این بود؛ هدف، فتح خرمشهر یا قصر شیرین یا مانند اینها نبود، هدف این بود که بیایند؛ کما اینکه همان اوّل کار صدام گفت که ما امروز اینجا مصاحبه میکنیم، یک هفته‌ی دیگر در تهران مصاحبه خواهیم کرد؛ این‌جوری برنامه‌ریزی کرده بود. این، عامل جنگ بود؛ یعنی جنگ تحمیلی یک توطئه‌ی عظیم بین‌المللی قدرتمندترین قدرتهای دنیا بود علیه جمهوری اسلامی تازه پدید آمده. مثل اینکه همه‌ی حیوانات وحشی بخواهند به یک انسان تنها و بی‌سلاح و بی‌دفاع حمله کنند؛ در واقع این‌جوری بود.

جمهوری اسلامی، آن روز نه نیروهای مسلح منظمی داشت، نه دستگاه اطلاعاتی مرتب و منظمی داشت -اول انقلاب بود دیگر، همه چیز به هم ریخته بود- جمهوری اسلامی تنها چیزی که داشت، ملت باایمان و رهبر مقتدری مثل امام بزرگوار بود؛ این تنها چیزی بود که ملت داشت. همین کشور فرانسه در وسط جنگ، پیشرفته‌ترین هواپیماها و بالگردهای خودش را داد به عراق؛ همین کشور آلمان، موادّ شیمیایی و سمّی را در اختیار رژیم صدام گذاشت برای اینکه بتواند در جبهه‌های جنگ از موادّ شیمیایی استفاده کند.

اینهایی که امروز به اتهام مصرف موادّ شیمیایی، فلان گروه را، فلان کشور را مورد تهاجم قرار میدهند، رسماً، علناً موادّ شیمیایی را در اختیار صدام قرار دادند که او بمب شیمیایی درست کند، سلاح شیمیایی درست کند و در جبهه‌ها به کار ببرد و به کار برد و ما هنوز بعد از گذشت ۳۰ سال از پایان جنگ -تقریباً ۲۹ سال از پایان جنگ میگذرد- هنوز کسانی را داریم در بین رزمندگان مان و کم هم نیستند که به‌خاطر

آلودگی‌های شیمیایی آن روز دچارند، گرفتارند، خیلی‌ها هم در این راه شهید شده‌اند. انگلیس‌ها کمک کردند، آمریکایی‌ها کمک کردند، نقشه‌های جنگی و ماهواره‌های شان کمک کردند، همه‌ی دستگاه‌های شیطانی عالم به این شیطانِ بدبختِ متکبرِ مغرورِ خودخواه _ یعنی صدام _ کمک کردند علیه جمهوری اسلامی، که این جنگ به وجود بیاید و این جنگ ادامه پیدا کند و این جنگ با پیروزی او تمام بشود.

البته همه‌ی این تلاش‌ها مثل تیری بود که به سنگ بخورد، به خاک بخورد؛ و علی‌رغم همه‌ی آنها، هشت سال خودشان را کشتند که یک وجب از خاک جمهوری اسلامی را در اختیار بگیرند، [اما] نتوانستند؛ در طول هشت سال، ملت ایران بر تمام این قدرتها پیروز شد...

بیانات در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده

در کاروان‌های راهیان نور

۱۹/۱۲/۱۳۹۶

تحمیل جنگ بر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی موجی گسترده و تند در عرصه‌ی بین‌المللی به وجود آورد. اقدامات جمهوری اسلامی ایران به شدت در تعامل با اوضاع و احوال عرصه‌ی بین‌المللی بود. ساختار، ماهیت، اقدامات و رفتار بازیگران بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشت و اقدامات جمهوری اسلامی ایران نیز در نوع و شیوه‌ی رفتار قدرت‌های کوچک و بزرگ مؤثر بود.

سیاست بازیگران اصلی روابط بین‌الملل متأثر از انقلاب اسلامی و پیامدهای آن، دستخوش تحول و دگرگونی شد. آن‌ها سیاست‌هایی را در جهت مهار امواج انقلاب اسلامی اتخاذ کردند و کوشیدند با بهره‌گیری از عوامل گوناگون منطقه‌ای، این سیاست‌ها را اجرا کنند. جنگ ایران و عراق به عرصه‌ی تقابل اراده‌های بازیگران به صورت مستقیم و غیر مستقیم تبدیل شد و هر کدام با توجه به توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خود، دست به برنامه‌ریزی زدند و کوشیدند به اهداف

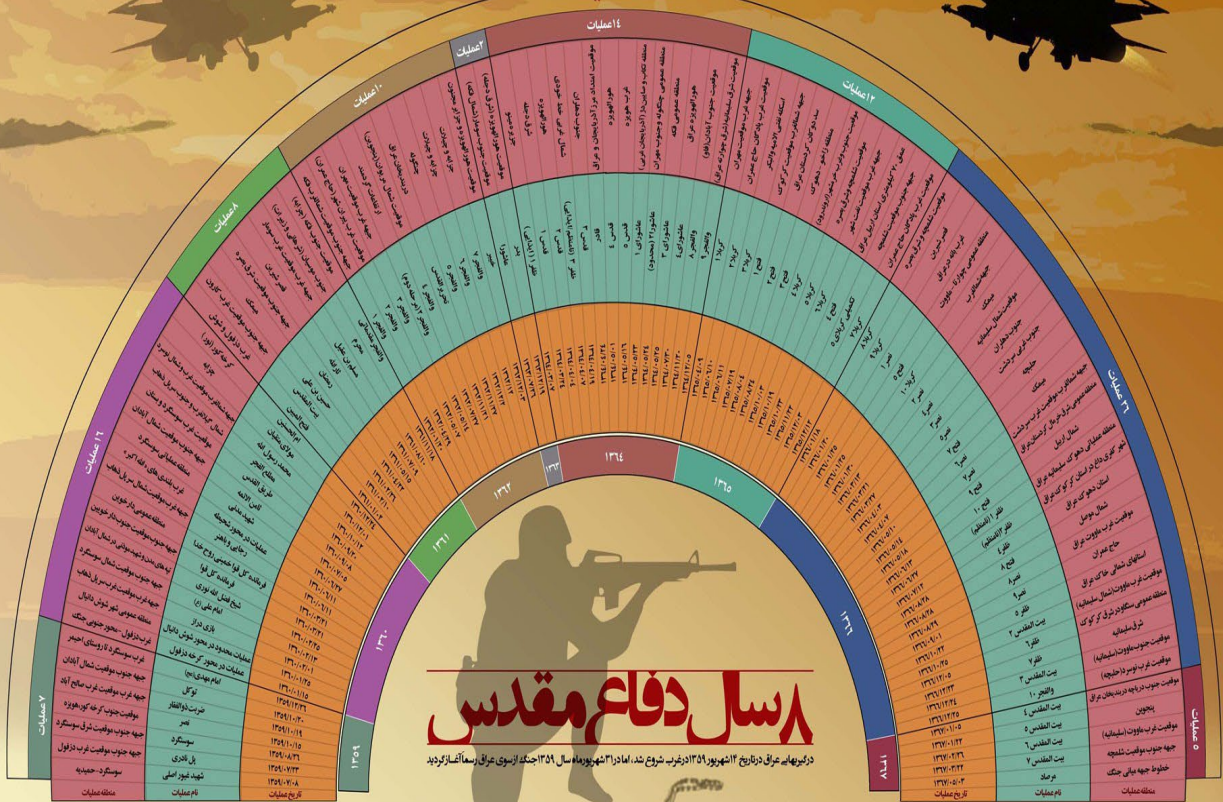
و منافع خود برسند و یا ارزش‌ها و انگاره‌های خود را حفظ کنند و گسترش دهند.

جمهوری اسلامی ایران که به دلیل ماهیت متفاوت خود از هر سو در فشار قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها بود، با تکیه بر نیروهای داخلی و انگیزه‌ها و ارزش‌های الهی خود، در برابر همه‌ی قدرتمندان ایستاد و اقدامات آن‌ها را با ناکامی روبرو ساخت.

یکی از بزرگ‌ترین اقدامات دشمنان ایران زمین، تحمیل جنگی ناخواسته بر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران بود؛ یعنی هجوم ارتش عراق به سرزمین ایران. جمهوری اسلامی ایران نیز مؤثرترین پاسخ به توطئه‌های دشمنان خود را در عرصه‌ی همین جنگ داد و ضمن مقابله با هجوم عراق، از موقعیت به وجود آمده برای تحکیم نظام خود استفاده کرد.

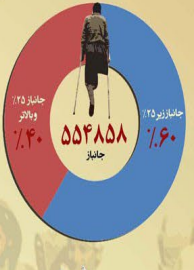
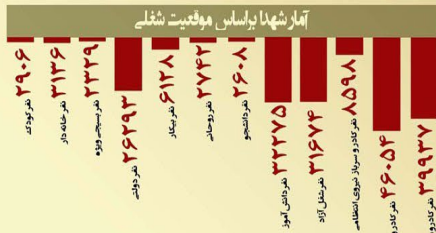
سید یحیی صفوی، حسین اردستانی، مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۲۰)

۱۰۰ عملیات



۸ سال دفاع مقدس

در گریه‌هایم عراق در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۵۹ از غرب شروع شد، اما در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۶۱ جنگ از سوی عراق رسماً آغاز گردید



کتاب هسته‌ها به یک عصر نوا

کشورهایی که عامل بین‌المللی شدن جنگ بودند

دلایل و آثار تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد بر جنگ ایران و عراق، موضوع میزگردی خبری (۲۴/۷/۱۳۶۲) در یک برنامه تلویزیونی در واشنگتن بود. شیرین هانتر معاون ایرانی برنامه مطالعات خاورمیانه مرکز مطالعات سوق‌الجیشی و بین‌المللی دانشگاه جورج تاون، سعید رجایی خراسانی، سفیر دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل و ویلیام اولسون کارشناس مسائل خلیج فارس در این میزگرد خبری شرکت داشتند.

به گزارش رادیو آمریکا، هانتر درباره نیاز عراق به هواپیماهای فرانسوی سوپراتاندارد گفت: عراقی‌ها مدتی است به‌ویژه از لحاظ اقتصادی در وضعیت دشواری قرار دارند. تاکنون عراق با کمک‌های مالی سخاوتمندانه کشورهای چو کوی و عربستان سعودی دوام آورده است، اما اشباع بازارهای نفتی جهان سبب شده که این کشورها هم نتوانند به اندازه گذشته به عراق کمک مالی بدهند. عراق می‌کوشد با پایان دادن به جنگ از این وضعیت دشوار اقتصادی خلاص شود.

وی خاطرنشان کرد: هدف اصلی عراق این است که ظرفیت صادراتی ایران را اگر کاملاً از بین نبرد اقلأً آن را کاهش بدهد تا ایران هم به وضعیت عراق دچار شود و ناچار به مذاکره برای صلح باشد. مجری این برنامه تلویزیونی سپس برای آشنایی با دیدگاه ایران، نظر سعید رجایی خراسانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل را در مورد نقش دستیابی عراق به این سلاح‌ها در پایان دادن سریع به جنگ جویا شد. رجایی خراسانی پاسخ داد: فکر نمی‌کنم که این هواپیماها بتوانند جنگ را به پایان بیاورند. آن‌ها ممکن است وضع را بدتر کنند. البته فقط ممکن است. من چندان مطمئن نیستم که آن‌ها عراقی‌ها چندان موفق شوند. سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به سؤال در مورد دلیل ناراحتی ایران از تحویل این هواپیماها به عراق، گفت: ما اصلاً ناراحت نیستیم. ما داریم وضعیت را تشریح می‌کنیم. ما فکر می‌کنیم که عراق می‌کوشد جنگ جنبه بین‌المللی پیدا کند. ما می‌خواهیم به کشورهای که عامل بین‌المللی شدن این جنگ هستند بگوییم که این کار بسیار خطرناکی است و آن‌ها نباید اهرمی در دست عراق بشوند.

تهدید به بستن تنگه هرمز

وی ضمن ابراز تردید در موفقیت آمیز بودن حملات عراق در صورت استفاده از سوپراتانداردها گفت: اما در صورتی که حمله عراق مؤثر بیفتد و تأسیسات نفتی ما نابود شود و ما نتوانیم دیگر نفت صادر کنیم آنگاه صدور نفت از خلیج فارس به طور کلی قطع خواهد شد.

رجایی خراسانی در مورد موضع ایران در قبال تلاش آمریکا یا عربستان برای باز نگه داشتن خلیج فارس، اظهار کرد: چون این تهدید بسیار جدی است فکر می‌کنم ایران این احتمالات را هم به حساب آورده است. سفیر ایران در سازمان ملل خاطرنشان کرد که درباره پایان جنگ از راه مذاکره در این مرحله زیاد خوش‌بین نیست.

مجری برنامه در ادامه، برای تشریح دیدگاه آمریکا از ویلیام اولسون کارشناس مسائل خلیج فارس و تحلیل‌گر امنیت منطقه‌ای در کالج نظامی ارتش آمریکا پرسید که آیا او هم به اندازه سفیر جمهوری اسلامی ایران در مورد امکان حل صلح آمیز منازعه بدبین است؟ اولسون پاسخ داد: فکر نمی‌کنم در حال حاضر چندان امکانی برای حل مسئله از راه

گفت‌وگو وجود داشته باشد. وی در خصوص استفاده‌های احتمالی عراق از این هواپیماها گفت: از نظر عراق هواپیماهای فرانسوی یک اسلحه مطمئن است. خلبانان عراقی مجبور نخواهند بود مستقیماً به تأسیسات دریانوردی ایران حمله کنند بلکه می‌توانند از فاصله ۲۴ کیلومتری موشک‌های خود را به هدف بزنند.

اولسون خاطرنشان کرد: از سوی دیگر، جزیره خارک هدف بزرگی است و عراق نمی‌تواند به آن چندان آسیب برساند؛ اما عراق خواهد توانست نه تنها به بنادر نفتی ایران بلکه به کلیه بنادر ایران آسیب برساند و به این وسیله ایران را در محاصره اقتصادی قرار دهد؛ اما آنچه که عراق می‌خواهد این است که جامعه بین‌المللی، ایران را وادار به مذاکره و پایان دادن به جنگ کند.

منبع:

علیرضا لطف‌الله‌زادگان، ایرج همتی، روزشمار جنگ ایران و عراق: نخستین عملیات بزرگ در شمال غرب: والفجر ۴ (کتاب ۲۸)، سپاه: مرکز

اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران ۱۳۹۷، صص ۱۱۰، ۱۱۱

همراهان صدام در حملات شیمیایی

کشورهای فروشنده مواد و تجهیزات جنگ افزار شیمیایی به عراق



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

تفاوت دفاع مقدس با جنگ

تبیین تفاوت دو واژه جنگ و دفاع مقدس نیازمند توجه به مفهوم و نوع نگاهی است که در ادبیات سیاسی و هنجارهای اجتماعی و دینی یک جامعه پیرامون این دو وجود دارد؛ جنگ یا نبرد مسلحانه بین دولت‌ها به عنوان واقعیتی در جوامع بشری، مفهومی عام و از جنبه‌های مختلف قابل تعریف است و به انواع متعددی نظیر؛ تهاجم نظامی، جنگ تدافعی، مشروع و یا نامشروع، داخلی یا خارجی و ...، تقسیم می‌شود و در بسیاری مواقع جنگ اقدامی ناپسند، غیر عقلی، غیر دینی و نامقدس است نظیر حملات نظامی و راه اندازی جنگ به خاطر سلطه‌طلبی، جاه‌طلبی، چپاول منابع ملت‌های دیگر و

اما دفاع مقدس نوعی خاص از جنگ و نبرد مسلحانه است که از یکسو حالت تدافعی در مقابل تجاوز نظامی بیگانگان داشته و از سوی دیگر مطابق با هنجارهای دینی پذیرفته شده در یک جامعه و دارای ارزش دینی و اجتماعی است. مانند جنگ به منظور دفاع از خویش (دفاع مشروع) در مقابل متجاوزین به دین، جان و مال و کشور و نیز به

منظور دفاع از مظلومین عالم انجام می‌گیرد، لذا دفاع جمهوری اسلامی ایران در تقابل با قدرت‌های استکباری از این قاعده مستثنی نبوده است.

(هادی پیر مراد، مجتبی شربتی، آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۹۲، ص ۱۶)

شهید مطهری در کتاب جهاد می‌گویند: کسی که در مقام دفاع از مالش و از ناموسش کشته بشود از نظر اسلام شهید است. پس دفاع از ناموس هم مانند دفاع از جان و مال است بلکه بالاتر است. دفاع از شرافت است، دفاع از استقلال برای یک ملت قطعاً امری مشروع است. پس در صورتی که یک قوم بخواهند استقلال قوم دیگری را بگیرند و آن‌ها را تحت قیومیت خودشان قرار بدهند و این ملت بخواهد از استقلال خودش دفاع کند و دست به اسلحه ببرد کاری مشروع و بلکه ممدوح و قابل تحسین انجام داده است.

(مرتضی مطهری، جهاد، ۱۳۶۸، ص ۴۰)

ساختار نظام بین الملل در دوره پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ و

دیدگاه تحول خواهانه‌ی انقلاب اسلامی

نظام بین المللی در دوره‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ عراق با ایران، ساختاری دو قطبی داشت. توزیع قدرت در جهان میان دو قطب شرق و غرب صورت گرفته بود. نظام امنیتی منطقه‌ی خاورمیانه و منطقه‌ی فرعی آن خلیج فارس نیز از یک طرف تحت تأثیر ساختار بین‌المللی و از سوی دیگر متأثر از اوضاع کشورهای منطقه بود.

در این دوره بود که با حمایت شدید امریکا از کشورهای طرفدار خود و جلوگیری از گسترش نفوذ الگوی چپ در منطقه، نظام امنیتی منطقه‌ی با رهبریت ایران و به کمک عربستان سعودی به صورت نظام امنیتی دو ستونی شکل گرفت. اما دیری نگذشت که بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ستون اصلی این نظام امنیتی فروپاشید و با تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، حاکمان امریکا از بازسازی چنین پایگاه امنیتی در ایران، ناامید شدند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأسیس جمهوری اسلامی، با واکنش‌های مختلفی در عرصه‌ی بین‌المللی روبه‌رو شد. کشورهای مختلف با توجه به نوع روابطی که با حکومت شاه داشتند و یا روابطی که می‌توانستند با جمهوری اسلامی ایران برقرار کنند، در برابر آن موضع‌گیری کردند.

مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی در ارتباط با نظام بین‌المللی، دیدگاه تحول‌خواهانه‌ی آن است. از نظر جمهوری اسلامی ایران، نظام بین‌المللی کنونی نظامی ناعادلانه است که بر پایه‌ی قدرت استوار گشته و بر آن قانونی جز قانون زور و تزویر حاکم نیست. نظام بین‌المللی، نظام مبتنی بر ظلم و جور است و تفاوتی بین شرق و غرب نیست. آن‌ها حقوق ملت‌ها را نادیده می‌گیرند و بر اساس منافع نامشروع خود، به ضرر ملت‌ها از حکومت‌های استبدادی دفاع می‌کنند و منابع ثروت ملت‌ها را به غارت می‌برند.

حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل، جلوه‌ی بارز این توزیع ناعادلانه‌ی قدرت در جهان است که باید دگرگون شود. ملت‌ها باید به

قیام علیه حکومت‌های ظالم و جائر برخیزند و جمهوری اسلامی ایران وظیفه‌ی حمایت از محرومان و مستضعفان عالم را برعهده دارد.

این نوع موضع‌گیری در برابر نظام تحمیلی حاکم بر جهان، در شعارهای انقلاب اسلامی و رهبران آن به ویژه امام خمینی (ره) آشکارا مطرح می‌شد و در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان اصول سیاست خارجی آمده است.

سیاست «نه شرقی، نه غربی»؛ «حمایت از ملل مستضعف و جنبش‌های آزادی بخش» و «ظلم ستیزی»، شاخص‌های این نوع رویکرد به جهان است. چنین رویکردی به هیچ عنوان برای قدرت‌های بزرگ پذیرفتنی نبود. جمهوری اسلامی ایران نه تنها رفتار هر دو ابر قدرت را نفی می‌کرد و در پی تجدید نظر در وضع موجود بود، بلکه نگاه، ایدئولوژی و ساختاری متفاوت مطرح می‌کرد که در قالب اندیشه‌ها و منافع هیچ‌کدام از بلوک‌های شرق و غرب نمی‌گنجید.

الگو و اندیشه‌ی جدید جمهوری اسلامی ایران راه سومی بود که مبانی و اصول متفاوتی داشت و در صورت گسترش در جهان، می‌توانست منافع هر دو ابر قدرت را تهدید کند.

این انقلاب، اندیشه‌ای الهی داشت و در پی ارائه‌ی راهی بود معنوی و کرامت‌بخش برای ملت‌ها در برابر کژراهه‌هایی مادی که دو ابر قدرت بر جهان تحمیل می‌کردند. بنابراین، از نظر قدرت‌ها، رواج چنین الگویی پذیرفتنی نبود. دو ابر قدرت به رغم تفاوت‌های فکری و منافع راهبردی متضاد، در مورد محدود کردن جمهوری اسلامی ایران، نفع مشترک داشتند که به مرور با بروز تحولات در درون این کشورها به ویژه در شوروی و موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران، این اشتراک نظر بیش‌تر و بیش‌تر شد و در سال‌های بعد به نوعی به همراهی و اتحاد در برابر جمهوری اسلامی ایران انجامید.

(مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران، ص ۲۲- ۲۵)

محکمہ از قبل استادہ میہ



کتاب ہشتاد بہ یک _ ناصر کاوہ

جنگ تحمیلی و نظام بین الملل

نسبت جنگ تحمیلی با نظام بین‌المللی را از چند جهت می‌توان بررسی کرد. نخست، جنگ تحمیلی بیش از اینکه ابتکار حکومت صدام در عراق باشد، برآیند واکنش نظام بین‌المللی (با بازیگری دو بلوک شرق و غرب) به پیروزی انقلاب اسلامی بود که صدام به نمایندگی از آن نظام، جنگ را شروع کرد. آن‌ها در پی تنبیه و مهار حرکتی بودند که برخلاف نظرشان پدید آمده بود و در صورت تداومش، به زیان هر دو بلوک پیش می‌رفت. از این منظر، جنگ عراق علیه ایران به نوعی جنگ نیابتی بود که به اراده‌ی نظام بین‌المللی و به وسیله‌ی حکومت بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی نوپای ایران به راه افتاد و در پی آن بود که جلو انقلاب اسلامی را گرفته و آن را شکست دهد و یا دست کم در درون مرزهای خود محدود سازد.

دوم، جنگ تحمیلی به نوعی جنگ عراق علیه ایران بود که تنها با فرصت طلبی از وضعیت به وجود آمده در عرصه‌ی بین‌المللی، آن را آغاز کرد و نظام بین‌المللی به دلیل مخالفت با انقلاب اسلامی ایران، چشم خود

را به این نوع نقض قوانین بین‌المللی بست و آن را نادیده گرفت و به نوعی از آن حمایت کرد تا مانع بروز گسترش نیروهای مهار ناپذیر و برهم زنده‌ی ایدئولوژی حاکم بر ساختار و رفتار بازیگران در عرصه‌ی بین‌المللی باشد.

نظام بین‌المللی بیش از این که نقش فعال در آغاز و تداوم جنگ داشته باشد، بیش‌تر از وضعیت به وجود آمده، بهره‌وری می‌کرد. قوانین حاکم بر نظام بین‌المللی مشوق چنین جنگی نبودند، ولی قواعد سیستمی ایجاب می‌کرد در برابر نیروی مخالف وضع موجود، ایستاد و از موجودیت نظام بین‌الملل و وضع فعلی آن دفاع کرد.

بنابراین، از نظر نظام بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران نیروی مثبتی برای وضع موجود و قواعد حاکم بر آن تلقی نمی‌شد. از این‌رو، بازیگران عمده‌ی نظام بین‌المللی، بقای این نیروی مردمی را به زیان خودشان می‌دانستند و درصدد بودند به هر روشی مانع رشد و موفقیت آن شوند. نظام بین‌المللی در یک بستر تعاملی بین عراق و ابر قدرت‌ها

این فرصت را فراهم آورد که با توسل به ابزارهای مختلف از جمله توسل به زور مانع رشد و شکوفایی یک نیروی انقلاب شود که در صورت موفقیت آن، مبانی و اصول نظام بین‌المللی را با چالش مواجه می‌ساخت.

جنگ نیابتی عراق علیه ایران عملاً به معنای تقسیم هزینه‌های جنگ میان بازیگران متعدد در عرصه‌ی بین‌الملل بود. حاکمان عراق به دلیل این که نظام بین‌المللی با اقدام آن‌ها موافق بود، هزینه‌ی غیرقابل تحملی را در مورد نقض قاعده‌ی آمره عدم توسل به زور در روابط بین‌الملل، احساس نمی‌کردند.

در مقابل، نظام بین‌المللی و به ویژه بازیگران اصلی آن (امریکا و شوروی) به دلیل این که مستقیماً هیچ کدام وارد جنگ نمی‌شدند، امکان مصالحه برایشان بیش‌تر بود و تحولات آن منجر به رویارویی میان آن‌ها نمی‌شد. جنگ عراق با ایران تنها جنگ در دوران جنگ سرد بود که هیچ یک از دو ابر قدرت آن را اقدام طرف مقابل خود برای

پیشروی در عرصه‌ی جهانی تلقی نمی‌کرد. این برداشت دو ابرقدرت در مورد یکدیگر، به جنگ تحمیلی ویژگی منحصر به فردی داد و آن‌ها احساس می‌کردند که هر موقع اراده کنند می‌توانند درگیری را کنترل کنند. با این که در دوران جنگ سرد رقابت شدیدی بین دو ابرقدرت بود و بازی آن‌ها در کشورهای دیگر جنبه‌ی حیثیتی پیدا کرده بود، و شکست و پیروزی در هر عرصه‌ای به ویژه عرصه‌ی جنگ، به نام یکی از آن‌ها تمام می‌شد، در جنگ عراق علیه ایران، چنین رقابتی میان دو ابر قدرت مطرح نبود. هر دو ابرقدرت به نوعی نگاه مثبت به شروع جنگ علیه ایران داشتند و آن را در جهت منافع خود ارزیابی می‌کردند.

بنابراین، بروز جنگ به معنای آغاز آن از سوی یکی از دو ابر قدرت نبود و موجب رویارویی میان آن‌ها نمی‌شد. از این منظر نیز هزینه‌ی جنگ عراق با ایران برای نظام بین‌المللی قابل تحمل بود و عملاً آغاز آن با استقبال ضمنی یا صریح بیش‌تر قدرت‌های بزرگ جهان روبه‌رو شد.

(مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران، ص ۲۶-۲۸)



من یا اطمینان می‌گویم اسلام
ابر قدرت‌ها را به خاک می‌دازد
می‌نشانند و اسلام بی‌سازد

نقش نظام بین الملل در وقوع جنگ

الف) کشورهای منطقه

چند ماه قبل از آغاز جنگ در ۱۳۵۹/۵/۱۲ صدام حسین در شهر طائف عربستان با بعضی از سران کشورهای عربی ملاقات و اطلاعاتی از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران از آن‌ها دریافت کرد. با آغاز جنگ، عراق بلافاصله از پشتیبانی تقریباً همه کشورهای عربی خلیج فارس و نیز اردن و مصر برخوردار شد. عربستان سعودی و کویت توافق کردند تا تولید نفت خود را افزایش دهند و این اضافه تولید را برای عراق به فروش برسانند.

از سوی دیگر کویت با به اجرا گذاشتن مقررات جدیدی سعی کرد تا ایرانیان و شیعیان طرفدار انقلاب اسلامی را در آن کشور تحت فشار قرار دهد. اردن بندر عقبه را به منظور تدارک ارتش بعثی عراق در اختیار آن کشور قرار داد و جاده ارتباطی اردن به عراق، مهم‌ترین مسیر تدارکاتی ارتش عراق و نیز صادرات نفت عراق از طریق تانکرهای نفتکش شد.

با ادامه جنگ، روابط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با دولت عراق گسترده‌تر شد و این کشورها کمک‌های مالی فراوانی به دولت عراق کردند و برخی از کشورهای عربی مانند الجزایر در جنگ بی‌طرف بودند. اکثر کشورهای عربی از عراق پشتیبانی می‌کردند. برای مثال مصر که کشور فقیری بود با اعزام صدها هزار نفر کارگر به عراق، امکان بسیج نیروی انسانی به جبهه‌ها را برای عراق فراهم آورد.

از سوی دیگر، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه طی مصاحبه‌ای با روزنامه السفير در ۱۳۵۹/۸/۱۷ جنگ عراق با ایران را محکوم و آن را برای انحراف افکار عمومی عرب از مبارزه با اسرائیل و به نفع امریکا ارزیابی کرد. این اقدام سوریه موجب شد تا عراق بلافاصله روابط سیاسی خود را با سوریه قطع کند. لیبی یکی دیگر از کشورهای عربی و افریقایی بود که از ابتدای جنگ در طرف ایران قرار گرفت و معتقد بود جنگ باید تا سقوط صدام ادامه یابد، ولی پس از چند سال دوباره به سمت عراق گرایش پیدا نمود. (دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۰، ص ۸۱)

ب) کشورهای فرا منطقه‌ای

۱- ایالات متحده امریکا: برخی از صاحب نظران معتقدند که تصمیم قطعی به آغاز جنگ از تیرماه ۱۳۵۹ که برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور امریکا در مرز اردن با صدام حسین ملاقات کرد، اتخاذ گردید. بعضی سیاستمداران می‌گویند قدرت‌های جهانی با این جنگ موافق بودند، چون در جهت منافع آن‌ها بود. امریکا اعتقاد داشت که درگیر کردن ایران با جنگ باعث می‌شود تا مسئولان کشور در سیاست‌های خود تجدید نظر کنند.

(قدرت الله رحمانی، بی‌پرده با هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۶۶)

البته خود امریکا مدعی بود که قبل از اشغال لانه جاسوسی، مقامات ایران را از حمله احتمالی عراق مطلع کرده است و حتی کشور عمان را از همکاری با عراق در استفاده از پایگاه‌های آن کشور برحذر داشته است ولی آنچه مشخص است این است که هیچ یک از قدرت‌های بزرگ جهانی از حمله امریکا و شوروی مانع از حمله ارتش عراق به ایران نشدند و از ابزار شورای امنیت نیز برای توقف جنگ، استفاده نکردند.

امریکا رژیم عراق را به عنوان آغازگر جنگ محکوم نکرد و در برابر اقدامات غیر قانونی عراق در نقض معاهده الجزایر، سکوت اختیار کرد. در هنگامی که جنگ اتفاق افتاد، نه تنها ایران از سوی امریکا در وضعیت تحریم تسلیحاتی به سر می برد بلکه به دلیل اشغال لانه جاسوسی امریکا (سفارت خانه امریکا در تهران)، روابط سیاسی امریکا با ایران قطع گردید و با حمله نظامی امریکا به طبرستان، وضعیت بحرانی بر روابط دو کشور حاکم بود. امریکا جنگ را فرصت مناسبی برای تضعیف و فشار به ایران، جهت بازگرداندن ایران به دامن ایالات متحده می دانست.

امریکا در جریان جنگ در عراق با ایران، از رژیم بعثی عراق حمایت می کرد و در تلاش بود تا دو طرف درگیر در جنگ را در کنترل خود داشته باشد. البته امریکا می خواست که عراق پیروز و فاتح میدان جنگ باشد ولی نمی خواست که عراق بر منطقه خلیج فارس مسلط شود.

۲- اتحاد جماهیر شوروی: در زمان آغاز جنگ، شوروی گسترده ترین روابط سیاسی و نظامی را با دولت بعثی عراق داشت و عراق را یکی از کشورهای بلوک شرق محسوب می کرد. گرچه روابط سیاسی شوروی با ایران نیز برقرار بود و سفارتخانه های دو کشور فعال بودند ولی روابط با ایران در شرایط شکننده ای قرار داشت. در اوایل انقلاب که حزب توده در ایران فعال بود و تمام فرارهای حزب توده از خارج به ایران برگشته و سازماندهی گسترده ای انجام داده بودند، شوروی به تأثیرگذاری آن ها امیدوار شده بود. با آغاز جنگ، اتحاد جماهیر شوروی، وقفه ای ۸ ماهه را در ارسال سلاح خود به عراق صورت داد، زیرا حزب بعث عراق، قبل از آغاز جنگ، سرکوبی حزب کمونیست آن کشور را آغاز کرده بود و گرایش زیادی به تأمین تجهیزات نظامی از کشورهای اروپایی نشان می داد. همزمان با قطع ارسال سلاح از سوی شوروی به عراق، این کشور به دولت های اروپای شرقی دستور داد تا سلاح ساخت شوروی خود را برای عراق ارسال کنند. بدین صورت تسلیحات، مهمات و قطعات یدکی مورد نیاز ارتش عراق از کشورهای اروپای شرقی تأمین می شد و از طریق بندر عقبه در اردن در اختیار ارتش عراق قرار می گرفت.

~

عمده‌ترین تأمین کنندگان سلاح برای ارتش عراق در دوران جنگ، کشورهای شوروی و فرانسه بودند. از سوی دیگر به دلیل اشغال افغانستان به دست ارتش سرخ، قبل از آغاز جنگ عراق با ایران، شوروی انتظار سکوت ایران در برابر این واقعه را داشت، ولی ایران به صورت جدی با حمله به افغانستان مخالفت کرد و این موضوع باعث شد تا شوروی به حمایت خود از عراق ادامه بدهد تا بدین وسیله بتواند به ایران فشار وارد کند.

۳- رژیم صهیونیستی: بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و غیرقانونی شناخته شدن این رژیم توسط حضرت امام خمینی (ره)، سفارت رژیم صهیونیستی در تهران تعطیل و سفارت فلسطین در ایران افتتاح گردید. مردم در خیابان‌ها شعار امروز ایران، فردا فلسطین را سر می‌دادند. این نوع اقدامات به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، رژیم صهیونیستی را تبدیل به دشمن اصلی ایران کرد و توجه آن از کشورهای عربی به سوی جمهوری اسلامی جلب شد. در زمان آغاز

جنگ، هیچ یک از دو کشور ایران و عراق با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک نداشتند. رژیم صهیونیستی نسبت به هر دو کشور نگرانی داشت. ایران را خطر بزرگی برای خود محسوب می‌کرد و از نزدیکی مردم عراق با ایران نگران بود. جنگ عراق با ایران موجب شد تا مسئله فلسطین در سطح کشورهای عربی و در جهان اولویت خود را از دست بدهد.

در مجموع می‌توان گفت که در آن زمان هم امریکا، هم شوروی، هم کشورهای عربی و هم رژیم صهیونیستی از روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، ناخشنود بوده و همه آن‌ها انقلاب را به ضرر منافع خود، تلقی می‌کردند. امریکا یکی از مهمترین پایگاه‌های نظامی و سیاسی خود در خاورمیانه را از دست داده بود. گرچه می‌بایستی شوروی از شکسته شدن حلقه محاصره خود از سوی امریکا راضی باشد ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، با یک مکتب فکری جدید به نام اسلام در مقابل مکتب مارکسیسم مواجه شده بود. کشورهای عربی تاج و تخت شاهان خود را در خطر می‌دیدند و نگران تکرار نهضت اسلامی در بین مردم خود بودند. رژیم صهیونیستی هم احساس می‌کرد که

مهمترین هم‌پیمان و دوست خود یعنی شاه را از دست داده و حکومتی که معتقد به حمایت جدی از فلسطینیان است در ایران بر سرکار آمده است.

۴- انگلیس: اما دولت انگلیس نیز نقش موثری را در طول جنگ تحمیلی در حمایت از صدام ایفا کرد. ازجمله اسناد منتشر شده درباره تأثیر بریتانیا بر آغاز جنگ علیه ایران توسط سایت رادیو فردا (ارگان رسمی سازمان سیا) فاش شده است. این سایت از قول یک پژوهشگر مقیم لندن نوشت: معاون سابق وزیر خارجه انگلیس، در آخرین روزهای اکتبر ۱۹۸۰ با صدام حسین و طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق دیدار کرد. در بازگشت او از بغداد، سفارت بریتانیا در کویت دو گزارش در تاریخ ۲۹ و ۳۰ اکتبر/ هفتم و هشتم آبان، شمه‌ای از دیدار براون با مقامات عراقی را به لندن ارسال کرد. در گزارش نخست، جورج براون براساس گفت‌وگو با سران عراق عنوان کرد که با توجه به مواضع ضد غربی خمینی و معتدل‌تر بودن صدام از این جهت، به صلاح حکومت

بریتانیا است که به اپوزیسیون ایرانی برای سرنگونی حکومت تهران کمک کند. همچنین یکی از وزرای کابینه انگلیس در ماه مارس ۱۹۸۱ با ارسال نامه محرمانه‌ای به تاچر تصریح کرد ارزش قراردادهای این کشور با عراق در "شش ماهه گذشته" بیش از ۱۵۰ میلیون پوند انگلیس بوده است. (آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، ص ۶۳-۶۰)

ضمن اینکه دولت انگلیس یکی از تأمین کننده‌های اصلی سلاح‌های شیمیایی صدام بود. به طوری که برخی کارخانه‌های انگلیسی در پی فروش سلاح به عراق، سود سرشاری به دست آوردند و حتی در سال ۱۹۸۸ میلادی، فروش این اقلام به يك دوم میلیارد دلار رسید. همزمان انگلیسی‌ها دفتر خرید ایران در خیابان ویکتوریای لندن را از طریق سازمان اطلاعاتی M-15 کنترل کرده و اطلاعات آن را در اختیار عراق قرار می‌دادند. مجله تایمز مالی چاپ لندن نیز نوشت «يك شرکت انگلیسی، مقادیر زیادی گلوله‌های حاوی گازهای سمی چون هنسلین، ترونیات و نیز بمب‌های آتش زا (شبیه بمب‌هایی که آمریکا در ویتنام به کار برد) را به عراق صادر کرد». این کشتی مقدار ۳۵ هزار تن دي میتل فسفونات (dimethyl methyl phosphonate) را از بندر

لیورپول انگلستان به مقصد کویت و از آنجا به عراق حمل می‌کرد. دی میتل فسفونات که به مبلغ ۵۰۰ هزار لیره انگلیس خریداری شده بود، ظاهراً برای استفاده در کارخانه پتروشیمی بغداد تهیه شده بود، ولی عراقی‌ها از آنها برای تبدیل به جنگ افزارهای شیمیایی بهره‌برداری می‌کردند. همچنان که احداث شبکه پناهگاه‌های پر هزینه زیرزمینی، بخش دیگری از تلاش‌های عراق بود که در ژوئن ۱۹۸۲ با تصمیم صدام و مشارکت مهندسان انگلیسی آغاز شد. کالین گرافت، رئیس فدراسیون مشاوران در مقاطعه کاران پناهگاه‌های هسته‌ای انگلیس می‌گوید «شرکت‌های انگلیسی طرح‌هایی ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸ هزار سرباز، پناهگاه امن ساخته شد. هر پناهگاه تونل پولادین داشت و می‌توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جای دهد. در هر پناهگاه، پست‌های فرماندهی، محل بیماران، اتاق‌های ضدآلودگی، آشپزخانه، انبار غذاهای خشک، آب و قورخانه یعنی تمام ملزومات يك اقامت بلندمدت پیش بینی شده بود... ۱ - سایت پرس تی وی، ۱۰ دی ۹۰، ۲- خبرگزاری فارس، ۱۹ آذر ۹۰ * کیهان و ...

ج) سازمان‌های بین‌المللی

طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد هر کشوری که مورد تهاجم قرار گیرد، باید از کلیه ابزار و ادوات نظامی برای دفاع از تمامیت ارضی خود استفاده کند. از سوی دیگر این کشور باید بلافاصله شورای امنیت سازمان ملل را در جریان قرار داده، فوری درخواست برگزاری جلسه کند. از آنجا که به هنگام آغاز جنگ، ایران فاقد وزیر امور خارجه بود و کشورهای غربی نیز در تخاصم شدید با ایران قرار داشتند، متأسفانه ایران اقدامات حقوقی لازم را انجام نداد و از شورای امنیت سازمان ملل درخواستی برای تشکیل جلسه فوری نکرد.

در آن دوران سیاست خارجی ایران غیر فعال بود. آقای کورت والدهایم دبیر کل وقت سازمان ملل چند ساعت پس از حمله عراق و آغاز جنگ، با سفیران ایران و عراق در سازمان ملل تماس می‌گیرد. وی از سفیر جمهوری اسلامی می‌پرسد آیا ایران می‌خواهد جلسه شورای امنیت تشکیل شود که پاسخ سفیر منفی بوده است. وی سپس با وزارت خارجه تماس گرفته، همین سوال را مطرح می‌کند که وزارت خارجه نیز

همان پاسخ را می‌دهد. استدلال وزارت خارجه این بوده است که سازمان ملل تحت سلطه قدرت‌های بزرگ و امریکا است و آن‌ها با هم همدست هستند.

متعاقب این موضع‌گیری، دبیر کل سازمان ملل در همان روز حمله عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به هر دو دولت ایران و عراق پیشنهاد کرد که مساعی جمیله خود را در جهت کمک به حل مسالمت‌آمیز برخورد میان دو کشور به کار بندند که چنین درخواستی با سکوت ایران مواجه می‌شود. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۱۲)

روز بعد دبیر کل سازمان ملل، بر اساس ماده ۹۹ منشور ملل متحد بیانیه‌ای صادر کرد و با ابراز نگرانی از خطر گسترش درگیری ایران و عراق برای صلح و امنیت بین‌المللی، درخواست کرد جلسه شورای امنیت تشکیل شود و از دولت ایران خواست که درخواست‌هایش را مطرح کند. شایان توجه است که شورای امنیت باید به درخواست دبیر کل تشکیل جلسه می‌داد، زیرا هیچ یک از اعضای شورای امنیت، ابتکاری برای صلح و تشکیل جلسه از خود بروز ندادند.

خاویر پرز د کوئیار دبیر کل بعدی سازمان ملل دلیل این امر را چنین تجزیه و تحلیل می‌کند: «هنگامی که نیروهای عراقی از مرز ایران گذشتند، هیچ کشوری در شورای امنیت سازمان ملل تحرکی برای توقف آن بروز نداد. کشورهای عرب از عراق حمایت کردند. هیچ کشور غیر عربی هم تمایل نداشت به روابط خود با بغداد لطمه بزند یا به کشور دیگر در این زمینه امتیازی بدهد». (خاویر پرز د کوئیار، بسوی صلح، ترجمه حمیدرضا زاهدی، ۱۳۷۹، ص ۱۲)

رفتار سازمان ملل در جنگ ایران و عراق و فرایند صدور قطعنامه ۵۹۸ هنگامی که نیروهای عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) تهاجم خویش را به جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند هیچ کشوری در شورای امنیت سازمان ملل تحرکی برای توقف آن انجام نداد. کشورهای عرب از عراق حمایت کردند. هیچ کشور غیر عرب دیگری نیز تمایل نداشت به رابطه خود با بغداد لطمه بزند. تنها دبیر کل سازمان ملل (کورت والدهایم) به صدور بیانیه‌ای مبادرت ورزید. سخنگوی مطبوعاتی سازمان ملل متحد در مصاحبه مطبوعاتی روزانه با

خبرنگاران، جلسه را با قرائت اعلامیه دبیر کل جنگ عراق و ایران آغاز کرد. در این بیانیه گفته شد: «دبیر کل با نگرانی فزاینده و عمیق تیره‌تر شدن روابط ایران و عراق و شدت یافتن اختلاف بین آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. در چنین وضع پر از مخاطره اختلاف ممکن است عواقب وخیم و غیر قابل پیش‌بینی به همراه داشته باشد. دبیر کل از هر دو دولت خواست که نهایت خویشتن‌داری را به عمل آورند و تا آنجا که می‌توانند برای رفع اختلافات خود از طریق مذاکره راه حلی پیدا کنند». (منوچهر پارسا دوست، نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق، ۱۳۷۱، ص ۱۷) دبیر کل در این بیانیه تعمداً و آگاهانه از به کار بردن عبارت «تجاوز مسلحانه» خودداری می‌کند و اصولاً نام عراق را به تنهایی نیاورده و کوشیده است نام عراق و ایران را با هم بیاورد و روی سخن او متساویاً با هر دو کشور باشد. دبیر کل از هر دو کشور بویژه از ایران می‌خواهد که خویشتن‌داری کند و اختلاف خود را با عراق از راه مذاکره حل کند. دبیر کل آشکارا از ایران می‌خواهد که به علت حمله نظامی عراق درصدد انجام اقدامات تلافی جویانه برنیاید و از «حق ذاتی دفاع از خود» چشم‌پوشی کند.

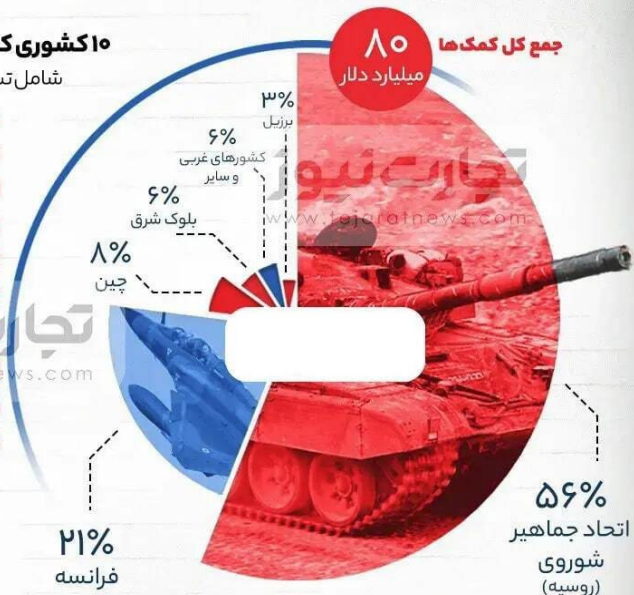
در هشت سال جنگ تحمیلی کدام کشورها به صدام کمک کردند؟

به مناسبت سالگرد جنگ عراق علیه ایران و دفاع مقدس، نگاهی به کشورهای حامی صدام می‌اندازیم. در جریان نبرد هشت ساله، بیش از ۶۰ درصد از کمک‌های خارجی به عراق، توسط کشورهای بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی انجام شد.

۱۰ کشوری که بیشترین کمک را داشتند

شامل تسلیحاتی، اطلاعاتی و مالی

شوروی: ۳۰ تا ۴۵ میلیارد دلار	
فرانسه: ۱۷ میلیارد دلار	
چین: ۶ میلیارد دلار	
ایتالیا: ۳٫۶ میلیارد دلار	
مصر: ۳ میلیارد دلار	
برزیل: ۲ میلیارد دلار	
یوگسلاوی: ۱ میلیارد دلار	
رومانی: ۱ میلیارد دلار	
لهستان: ۹۰۰ میلیون دلار	
چکسلواکی: ۸۰۰ میلیون دلار	



منبع: کتاب IRAN IRAQ WAR - PIERRE RAZOUX

برای اولین بار، همه دنیا علیه جمهوری اسلامی ایران؟!!

چه کسی هواپیماهایی با موشک اگزوست به عراق هدیه داد؟
هواپیماهایی شناسایی آواکس برای کدام کشور بودند که به صدام
تقدیم شدند؟ آمریکا، انگستان، شوروی، بلژیک، فرانسه، آلمان، برزیل
شیلی و حتی آرژانتین چه کمک‌هایی به صدام کردند؟

در مجموع چند کشور دست به دست هم داده بودند تا خاک ایران به دست رژیم بعث بیفتد؟ هنگامی که عراق در شهریورماه ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد، ایران از هرگونه حمایت خارجی بی بهره بود.

در آن سو اما رژیم بعث از انواع پشتیبانی‌های نظامی جهان برخوردار شد، آن هم در شرایطی که ایرانی‌ها حتی حق خرید سیم خاردار هم نداشتند! به روایت سازمان مرکز اسناد انقلاب اسلامی، حدود ۸۰ کشور به شکل رسمی و غیررسمی به عراق کمک کردند. در این مطلب مروری خواهیم داشت به بعضی کمک‌های مهم خارجی به رژیم صدام.





کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

با ارتش وارداتی و هواپیمای اجاره‌ای

لاف زده بودند تهران را فتح می‌کنند

پیروزی انقلاب اسلامی موجی گسترده و تند در عرصه‌ی بین‌المللی به وجود آورد. اقدامات جمهوری اسلامی ایران به شدت در تعامل با اوضاع و احوال عرصه‌ی بین‌المللی بود.

ساختار، ماهیت، اقدامات و رفتار بازیگران بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشت و اقدامات جمهوری اسلامی ایران نیز در نوع و شیوه‌ی رفتار قدرت‌های کوچک و بزرگ مؤثر بود.

سیاست بازیگران اصلی روابط بین‌الملل متأثر از انقلاب اسلامی و پیامدهای آن، دستخوش تحول و دگرگونی شد. آن‌ها سیاست‌هایی را در جهت مهار امواج انقلاب اسلامی اتخاذ کردند و کوشیدند با بهره‌گیری از عوامل گوناگون منطقه‌ای، این سیاست‌ها را اجرا کنند.

جنگ ایران و عراق به عرصه‌ی تقابل اراده‌های بازیگران به صورت مستقیم و غیر مستقیم تبدیل شد و هر کدام با توجه به توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خود، دست به برنامه‌ریزی زدند و کوشیدند به اهداف و منافع خود برسند و یا ارزش‌ها و انگاره‌های خود را حفظ کنند و گسترش دهند.

جمهوری اسلامی ایران که به دلیل ماهیت متفاوت خود از هر سو در فشار قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها بود، با تکیه بر نیروهای داخلی و انگیزه‌ها و ارزش‌های الهی خود، در برابر همه‌ی قدرتمندان ایستاد و اقدامات آن‌ها را با ناکامی روبرو ساخت.

یکی از بزرگترین اقدامات دشمنان ایران زمین، تحمیل جنگی ناخواسته بر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران بود؛ یعنی هجوم ارتش عراق به سرزمین ایران. جمهوری اسلامی ایران نیز مؤثرترین پاسخ به توطئه‌های دشمنان خود را در عرصه‌ی همین جنگ داد و ضمن مقابله با هجوم عراق، از موقعیت به وجود آمده برای تحکیم نظام خود استفاده کرد.

مهر سال ۱۳۵۹ شمسی معلوم شده بود ارتش صدام هرگز در یک هفته به تهران نمی‌رسد! پیشروی ماشین جنگی صدام کند شده بود و ارتش بعثی پشت شهرهای مهم ایران گرفتار مقاومت مردمی شده بود. اما صدام غم نداشت؛ می‌دانست چه کسانی پشتش ایستاده‌اند. چه کسی گفته بود یک هفته‌ای به تهران می‌رسیم؟ صدام در یک مصاحبه مطبوعاتی در دومین روز جنگ تحمیلی لاف زده بود که: «بقیه سوالات را حداکثر یک هفته دیگر در مصاحبه بعدی در تهران پاسخ خواهم داد. بعثی‌ها یک توهم عجیب هم داشتند که اگر مثلاً ۲۰ کیلومتر در خاک ایران پیشروی کنند انقلاب اسلامی ایران فرو می‌پاشد و یکی از فرماندهان عراقی بعدها اعتراف کرد: «خوش بینی ما به فروپاشی سریع رژیم تهران به حدی بود که ۳ لشکر ما در آغاز حمله، هدف مشخصی نداشتند. از شروع جنگ تحمیلی که چند روز گذشت معلوم شد از این خبرها نیست و البته صدام باز هم چندان دلسرد نبود. چون چراغ سبز داشت از ابرقدرت‌های نظامی آن روزگار و از همه بیشتر از آمریکا. همین آمریکا بود که اوایل جنگ تحمیلی نقشه‌های هوایی از موقعیت نیروهای ایرانی در اختیار رژیم بعثی عراق می‌گذاشت؛ «پس از آغاز

تهاجم صدام به خاک ایران، ۵ هواپیمای شناسایی آواکس متعلق به نیروی هوایی آمریکا برای شناسایی عملیات هوایی ایران و اطلاع رسانی آنها به ارتش عراق [اختصاص داده شد]... در همین راستا سازمان سیا هم از ابتدای جنگ، تصاویر هوایی ماهواره‌ای از مواضع نیروهای نظامی و تاسیسات نفتی ایران را در اختیار رژیم بعث عراق قرار می‌داد



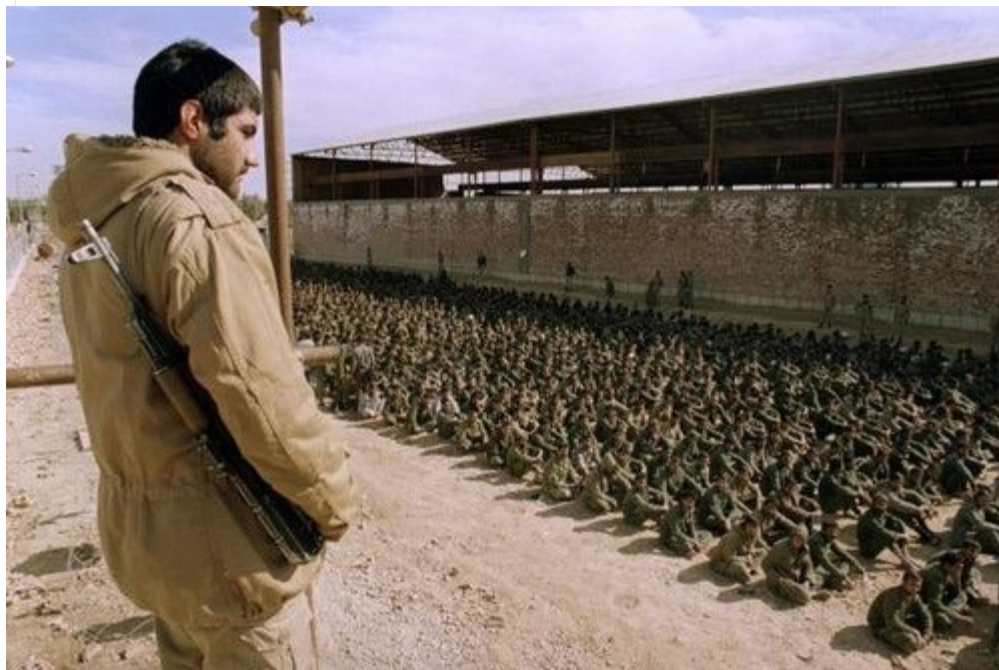
یک تانک عراقی در روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی در حوالی اهواز در گل فرو رفته است. ارتش صدام پیشرفته نبود ولی در جنگ تحمیلی مدام توسط کشورهای دیگر بازسازی شد

ارتش وارداتی، هواپیمای اجاره‌ای!

کشورهای غربی و ابرقدرت‌های نظامی برای جنگ با ایران چه‌جوری به صدام کمک کردند؟ همه‌جوره. از کمک‌های نظامی و تسلیحاتی گرفته تا پشتیبانی فنی و مالی و سیاسی و مهندسی. قسمت جالب ماجرا این است که ارتش صدام وقتی جنگ را شروع کرد یک ارتش معمولی با تجهیزات متعارف بود در خاورمیانه و حدود ۲۷۰۰ تانک داشت و ۳۴۰ هواپیما داشت ولی وقتی جنگ تمام شد به جای اینکه تجهیزانش کمتر شود ۴ هزار تانک داشت و ۶۰۰ هواپیمای پیشرفته و شده بود ششمین نیروی هوایی بزرگ جهان!

چند کشور بودند که به صدام کمک می‌کردند؟ ۱۰ تا؟ ۲۰ تا؟ خیر، ۸۰ کشور بودند که برای جنگ با ایران به صدام کمک می‌رساندند. این کمک‌ها در حد اعلاء بود و حتی هواپیماهای پیشرفته را به ارتش صدام اجاره هم می‌دادند؛ از جمله اجاره هواپیماهای «سوپر اتاندارد» توسط فرانسه. دیگر اینکه چون عراق خلبان کارآزموده کم داشت، آموزش به خلبانان عراقی هم برنامه دائمی بود و به‌قول معاون وزیر دفاع انگلیس:

«تمام تلاش‌مان را به خرج دادیم تا رابطه را گرم نگه داریم. طی جنگ هشت‌ساله صدام علیه رژیم تهران، به‌طور متوسط هر سال ۴۰ خلبان نظامی عراقی در پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا آموزش می‌دیدند و شرکت‌های هواپیمایی خصوصی... هم بر این دوره‌ها نظارت داشتند.» خیلی‌ها نمی‌دانند عراق در جنگ تحمیلی تعداد زیادی خلبان مزدور هم داشت که از همه بیشتر، مصری بودند



اردوگاه اسیران عراقی در اهواز. ایران سربازانی با ۱۸ ملیت مختلف را از ارتش بعثی به اسارت گرفت

روبروی ایران، ارتش عراق نبود

در یک تقسیم‌بندی کلی آمریکا و شوروی و کشورهای اروپایی به ارتش صدام تجهیزات می‌دادند، برخی کشورهای ثروتمند منطقه به ارتش صدام پول و هزینه خرید این تجهیزات را می‌دادند و برخی کشورها هم سرباز می‌دادند. این را هم خیلی‌ها نمی‌دانند که سربازانی از ۱۸ کشور مختلف در برابر ایران می‌جنگیدند!

ایران این موضوع را از کجا فهمید؟

از ملیت سربازانی که از ارتش صدام اسیر گرفته بود. غنائم جنگی هم که ایران از ارتش بعثی گرفته بود متعلق به ۴۴ کشور مختلف بودند. در واقع می‌توان گفت روبروی ایران ارتش عراق نبود؛ یک ارتش چندملیتی با پشتیبانی بین‌المللی بود.

رسوایی غربی‌ها

کمک‌ها به ارتش صدام در ۸ سال جنگ تحمیلی لحظه‌ای قطع که نشد هیچ، مدام افزایش هم یافت و گسترده‌تر هم شد و کار بیخ هم پیدا کرد و به تجهیز صدام به سلاح شیمیایی هم رسید. پس از جنگ تحمیلی

اسنادی فاش شد و معلوم شد ۸۶ شرکت آلمانی و حدود ۶۰ شرکت انگلیسی و آمریکایی و فرانسوی به بعثی‌ها کمک می‌کردند و مواد اولیه و تجهیزات ساخت سلاح شیمیایی را در اختیارشان می‌گذاشتند. این طوری بود که صدام هر وقت در جنگ کم می‌آورد از سلاح شیمیایی استفاده می‌کرد. کشورهای غربی که صدام را به انواع سلاح شیمیایی مجهز کردند، رسوا بودند، رسواتر هم شدند.

رهبر انقلاب در این باره فرموده‌اند: «رژیم متجاوز بعثی، ناجوانمردانه‌ترین روش‌ها را علیه ملت ایران و جوانان ما به کار برد... در جبهه‌ها، سلاح‌های شیمیایی به کار بردند؛ نه یک بار، نه دو بار، نه مدت یک ماه، دو ماه؛ سال‌های متمادی... این سلاح‌ها را چه کسی به آنها داده بود؟

غیر از کشورهای که دم از حقوق بشر می‌زنند؟!

امروز خیلی چیزها آشکار شده است. خدای متعال، پشت گردن خود غربی‌ها - همان‌هایی که بعضی با ملت ایران و با جمهوری اسلامی، بسیار هم بدند و دشمنند - زد، تا به دلایلی وادار شوند اعتراف کنند و بنویسند. خودشان در کتاب‌ها و مقالات شان نوشتند شرکت‌های آلمانی (که یقیناً

بسیاری از این‌ها را بدون اجازه دولت آلمان نمی‌فروختند) این سلاح‌های شیمیایی و این مواد مرگبار را به عراقی‌ها فروخته‌اند!

برای چه فروختند؟

آیا نمی‌دانستند که بناست این‌ها در میدان جنگ به کار برود؟

گاز خردل را کجا به کار می‌برند؟

کسی که سلاح‌های مرگبار شیمیایی را می‌خرد، کجا می‌خواهد به کار ببرد؟ آیا می‌خواهد ببرد در خانه خودش استنشاق کند؟! معلوم است که می‌خواهد ببرد در میدان جنگ مصرف کند... خجالت نکشیدند...

از وجدان بشری ملاحظه نکردند و این‌ها را به میزان زیادی به رژیم بعثی فروختند. او هم آن سلاح‌های مرگبار را در جلو چشم آنها، در مرزها و در میدان‌های جنگ به کار برد...

اینها وجدان دارند؟!

اینها برای ارزش‌های انسانی و جان انسان‌ها احترام قائلند؟ نتیجه جنگ این ارتش بین‌المللی با ایران هم معلوم است؛ شکست خوردند و به هدف شان نرسیدند و یک وجب هم از خاک ایران کم نشد.



حمله شیمیایی صدام به شهرهای ایران با کمک

تسلیماتی کشورهای غربی ممکن شد

«آمریکایی‌ها علاوه بر کمک‌های اطلاعاتی مستمر، شیوه‌های تاکتیکی نبرد را به متجاوزان آموزش می‌دادند، فرانسوی‌ها هم پیشرفته‌ترین تجهیزات هوایی را به صدام دادند، آلمانی‌ها او را برای تولید سلاح فاجعه آفرین شیمیایی تجهیز کردند، بلوک شرق به رهبری شوروی سابق هر امکانات زمینی و هوایی که صدام می‌خواست در اختیارش گذاشتند و اعراب منطقه هم پول بی‌حساب به او می‌دادند.

بیانات امام خامنه ای - چهارشنبه ۲۹ شهریور



معرفی عراق به عنوان مسئول و آغازگر جنگ از سوی سازمان ملل متحد

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

یازده سال پس از آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی رژیم بعث عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران و سه سال پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و اتمام جنگ و با تلاش های پیگیر سیاسی مسؤولان نظام جمهوری اسلامی، حقانیت ایران در دفاع مشروع به اثبات جامعه جهانی رسید. خاویر پرز دکوئیار، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ شمسی، طی یک گزارش رسمی به شورای امنیت اعلام کرد که عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شمسی به ایران حمله کرده و متجاوز است. اعلام اینکه در جنگ تحمیلی، عراق آغازگر و مسؤول جنگ بوده است، یک پیروزی بزرگ سیاسی است. این دفاع و نبرد، در حالی ادامه و پایان یافت که جهانیان، بانی جنگ را می شناختند و حتی به کمک او شتافته بودند. آنان زمانی به خود آمدند که سلاح های ارسالی به عراق، علیه خودشان به کار گرفته شد و عراق، منطقه خلیج فارس را درگیر جنگی مهیب و عظیم کرد. متجاوز بودن عراق، گرچه بسیار دیر اعلام شد، اما از پیروزی های مهمی است که در تاریخ کشورمان به عنوان واقعه ای بزرگ ثبت شده است.

امام خمینی علیه السلام:

ما در جنگ برای
یک لحظه هم نادم و
پشیمان از عملکرد
خود نیستیم. ما در جنگ
ابته ابر قدرت‌ها را
شکستیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳ و ۲۸۴

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه